

چیزی عرض نکردم. این لایحه اصلاحی انحصار قند و جای و شرکات و در چندین جایش هم ذکری از مؤسسه شده است. منظور من این است که بنده برخلاف لایحه که خودم امضا کرده ام توضیح بدهم؛ البته وضوح تغییر میکند. جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

مطابق نظامنامه معین می شود قطع و فصل خواهد بود يك نظامنامه اینجا ذکر شده است. آقایان در نظر دارند که يك نظامنامه راجع با اجرای بانبرول تریاک وضع شده است که واقعا يك قانونی است فوق قوانین نهنوق قوانین عادی بلکه فوق قانون اساسی.

زیرا گاهی حق میدهد که مأمورین بدون رخصت صاحب خانه داخل خانه مردم بشوند بلکه يك جنایاتی هم در این زمینه اتفاق افتاده است! کدام نظامنامه؟ همان نظامنامه که در وزارت خانه تدوین شده و به همین سبب بود که در مجلس گفته شد نظامنامه هائی که در قوانین ذکر میشود نباید در کمیسیون و در آنجا تدوین شود که معارضه و تضاد می یابد با قوانین جاریه مملکتی نداشته باشد.

زیرا گاهی حق میدهد که مأمورین بدون رخصت صاحب خانه داخل خانه مردم بشوند بلکه يك جنایاتی هم در این زمینه اتفاق افتاده است! کدام نظامنامه؟ همان نظامنامه که در وزارت خانه تدوین شده و به همین سبب بود که در مجلس گفته شد نظامنامه هائی که در قوانین ذکر میشود نباید در کمیسیون و در آنجا تدوین شود که معارضه و تضاد می یابد با قوانین جاریه مملکتی نداشته باشد.

رئیس - پیشنهادها مراجعه می شود به کمیسیون. ماده دوازدهم (شرح ذیل خواننده شد) ماده ۲۰ اختلافات و شکایات حاصله در اجرای این قانون بواسطه کمیسیونهای اداری که طرز تشکیل آن مطابق نظامنامه معین می شود قطع و فصل خواهد شد و در کمیسیونهای مزبور بیش از یک نفر از طرف مؤسسه (انحصار دولتی قند و جای) عضویت نخواهد داشت.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده بنده قهلا عرضی ندارم. رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - محکمه ای که برای رسیدگی بقضیه قند و شکر قاچاق تشکیل می شود در اینجا يك طوری نوشته شده است که در حقیقت از وضعیت حاضره و فعلی این است که اگر چنانچه يك اختلافی قیام بین يك نفر از مردم یا وزارت مالیه باشد همان رای اداره وزارت مالیه متبع است و تابع قوانین دیگر هم نیستند هر طور که خودشان قضایا را حل و تصفیه کردند واجب الاجرا است.

حالا این کمیسیون هائی که طرز تشکیلش با شعور است و بواسطه آن نظامنامه حکومت میکنند و حکم کننده هایش هم رؤسای ادارات هستند این چطور می شود مردم چه حال خواهند داشت؟ بالاخره در این قضایا اختلافات خیلی زیاد میشود در گرفتار هم مسائل قاچاق خیلی بیش آمده ولی بيك ترتیبیانی حل و تصفیه کرده اند.

بدون اینکه قانونی هم برایش وضع شده باشد مردم هم در آن موضوعات هیچ شکایتی نداشته اند برای اینکه در گرفتار رعایت بعضی رسوما و قوانین و عادات و اخلاق شده و بالاخره بنده باین طرز دعا که کاملا مخالف عقیده ام این است که اولاً نظامنامه که برای اینکار نوشته می شود و باید بیاید به مجلس و در کمیسیون مالیه مثل اینکه در این قانون نظر گردید در آن نظامنامه هم نظر کنند.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده بنده قهلا عرضی ندارم. رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - محکمه ای که برای رسیدگی بقضیه قند و شکر قاچاق تشکیل می شود در اینجا يك طوری نوشته شده است که در حقیقت از وضعیت حاضره و فعلی این است که اگر چنانچه يك اختلافی قیام بین يك نفر از مردم یا وزارت مالیه باشد همان رای اداره وزارت مالیه متبع است و تابع قوانین دیگر هم نیستند هر طور که خودشان قضایا را حل و تصفیه کردند واجب الاجرا است.

بدون اینکه قانونی هم برایش وضع شده باشد مردم هم در آن موضوعات هیچ شکایتی نداشته اند برای اینکه در گرفتار رعایت بعضی رسوما و قوانین و عادات و اخلاق شده و بالاخره بنده باین طرز دعا که کاملا مخالف عقیده ام این است که اولاً نظامنامه که برای اینکار نوشته می شود و باید بیاید به مجلس و در کمیسیون مالیه مثل اینکه در این قانون نظر گردید در آن نظامنامه هم نظر کنند.

بدون اینکه قانونی هم برایش وضع شده باشد مردم هم در آن موضوعات هیچ شکایتی نداشته اند برای اینکه در گرفتار رعایت بعضی رسوما و قوانین و عادات و اخلاق شده و بالاخره بنده باین طرز دعا که کاملا مخالف عقیده ام این است که اولاً نظامنامه که برای اینکار نوشته می شود و باید بیاید به مجلس و در کمیسیون مالیه مثل اینکه در این قانون نظر گردید در آن نظامنامه هم نظر کنند.

بدون اینکه قانونی هم برایش وضع شده باشد مردم هم در آن موضوعات هیچ شکایتی نداشته اند برای اینکه در گرفتار رعایت بعضی رسوما و قوانین و عادات و اخلاق شده و بالاخره بنده باین طرز دعا که کاملا مخالف عقیده ام این است که اولاً نظامنامه که برای اینکار نوشته می شود و باید بیاید به مجلس و در کمیسیون مالیه مثل اینکه در این قانون نظر گردید در آن نظامنامه هم نظر کنند.

حتی اگر چنانچه بخواند بدلیه هم مراجعه کند نمی پذیرند و اگر بخوانند قبول کند که بطور حقیقت مسئله را خاتمه دهد باز هم نمی پذیرند و تصفیه و حل قضایا متوط بر این است که چند نفری که خودشان معین میکنند بنشینند و هر طور که رای دادند باید اجرا شود.

در این مسئله بنده محتاج می دانم خیلی اطلاع کلام بدهم و اگر آقایان چندان اطلاع نداشته باشند ممکن است بکمیسیون عرض مراجعه کنند تا مطلع شوند که مردم در چه حالتند و چه خبر است و از همین نقطه نظر بود که در خصوص قانون دخانیات که از مجلس گذشت در ماده راجع به عا که و محکمه خلی مذاکره شده و بالاخره منتهی شد باینکه بيك طرز معینی متعین را معاکه نمایند و هر طوری که رای داده شد اجرا کنند لیکن اینجا چه می گوید؟ میگوید:

این راجع بنظامنامه و امادر خصوص معاکه و محکمه بنده دیگر اینجا اطلاع کلام بدهم همانطوریکه برای توتون قابل شدیم و راجع بکسانی که قاچاق میکنند قانون وضع کردیم حالا هم يك قانون وضع میکنیم.

معلوم میشود که معاکه گمات ما برای هر چیزی بيك شکل مخصوصی باید داشته باشد اینهم قاچاق است. آن هم قاچاقی است.

این راجع بنظامنامه و امادر خصوص معاکه و محکمه بنده دیگر اینجا اطلاع کلام بدهم همانطوریکه برای توتون قابل شدیم و راجع بکسانی که قاچاق میکنند قانون وضع کردیم حالا هم يك قانون وضع میکنیم.

معلوم میشود که معاکه گمات ما برای هر چیزی بيك شکل مخصوصی باید داشته باشد اینهم قاچاق است. آن هم قاچاقی است.

معلوم میشود که معاکه گمات ما برای هر چیزی بيك شکل مخصوصی باید داشته باشد اینهم قاچاق است. آن هم قاچاقی است.

معلوم میشود که معاکه گمات ما برای هر چیزی بيك شکل مخصوصی باید داشته باشد اینهم قاچاق است. آن هم قاچاقی است.

این راجع بنظامنامه و امادر خصوص معاکه و محکمه بنده دیگر اینجا اطلاع کلام بدهم همانطوریکه برای توتون قابل شدیم و راجع بکسانی که قاچاق میکنند قانون وضع کردیم حالا هم يك قانون وضع میکنیم.

معلوم میشود که معاکه گمات ما برای هر چیزی بيك شکل مخصوصی باید داشته باشد اینهم قاچاق است. آن هم قاچاقی است.

معلوم میشود که معاکه گمات ما برای هر چیزی بيك شکل مخصوصی باید داشته باشد اینهم قاچاق است. آن هم قاچاقی است.

معلوم میشود که معاکه گمات ما برای هر چیزی بيك شکل مخصوصی باید داشته باشد اینهم قاچاق است. آن هم قاچاقی است.

طبقه قانون صدور پوست بره را اینجا وضع کرده اند و حالا آقایان می خواهند التاه بکنند و معلوم نیست بجهت دلیل میخواهند این کار را بکنند و این مساله واضح و مبرهنست که بره کشتی يك ضرر عمده بازرگان عمومی میرساند و از این جهت بنده مخالفم. رئیس آقایانی که موافقته خیر کمیسیون قوانین مالیه راجع بانگاه قانون منع صدور پوست بره جزء دستور قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

زیرا بره کشتی باطبیعه گوشت را کم می کند این بره باید بزرگ شود. آوقت فروش برسد زیرا این بره بیکجا که گوشت دارد و قابل استفاده هموم نیست مگر گاهی تفتنی کسی خواسته باشد گوشت او را مصرف کند و بنده کاملا مخالفم و از آقایان تقاضا دارم مراجعه بفرمایند به نظراتی که در دوره چهارم در اینجا گفته شده.

آقایانی که مذاکرات در در کلیات کافی می دانند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) رئیس - اکثریت است. رای می گیریم برای شور در مواد آقایان موافقین با شور مواد قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد (ماده اول مجدداً قرائت شد) رئیس - آقای رهنما (اجازه) رهنما - موافقم. رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - موافقم. رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - بنده مخالفم. رئیس - بفرمایند.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

کازرونی - در دوره چهارم پس از اینکه قانون به مجلس پیشنهاد شد بنده مخالف بودم اشخاصی که موافق بودند دلایلی که اقامه میکردند ته این بود که این حیوانات وقتی که هوشیارند اینها را می کشند در صورتیکه هنوز حظو کیفی از دنیا نبرده اند و این خوب نیست بنده هم وقتی که در مقابل آقایان آمدم پشت تریبون عرض کردم که بچه موش هم همین حال را دارد فرق نمیکند این حس را قتی که اینجا اظهار میشود در باره آن حیوانات که بیشتر هم می فهمند باستی ابراز شود باید ابراز شود والا این بره احساساتش آقدر هائیتست که درک تیزی کار در را بکند و علاوه بنده عرض میکنم ممکنست يك قانونی بظبط وضع شده باشد البته باید تشخیص کرد نه تنها قوانین فرعی ما، قانون اساسی هم بعد از چندسال که گذشت باید تجدید نظر درش کرد تا چه رسد باین قانون. آقا فرمودند این مساله تأثیری در ارزان عمومی ندارد. بنده عرض می کنم راست است اما بیگس در ارزان عمومی تأثیر دارد و این يك چیزی است که متافهش راجع بقروضه و مومردان باید بنشیند که از جمیع حظوظ تمدن مومردان غایب میشود. علاوه بنده عرض می کنم هیچ کس از ما در مهریتر نیست صاحبان گوشتند خودشان بصیرترند که ببینند صرفه و نفعشان چیست. شما بقهله بنده این که اگر تشخیص بدهند که این حیوان را نگاه بدارند صرفه اش بیشتر است خودشان نمیکشند. می فرمایند گوشت کمی می شود بنده عرض می کنم مراجعه بفرمایید بان استاتستیک دفتر صادرات و واردات گمرک خودتان ببینید قدر از گوشت های ما بخارج حمل می شود زیادی دارید که حمل بخارج میشود. و علاوه يك نکته که قابل دقتست لازمست هر ض کنم و آن اینست که بره که کشته میشود وقتی که بزرگ شود آ بستن میشود. آ بستن میکند اما آ بستن نمیشود بنابر این صاحبان گوشتند خودشان تشخیص میدهند که اگر گوشت کوچکی بره را ذبح کنند از شیرو دوشش بهتر می توانند استفاده کنند این است سکه می آیند ذبحش میکنند و يك استفاده خوبی هم از پوستش میکنند.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.

رئیس - تصویب شد (ماده اول - مجلس شورای ملی قانون مورخه سیام جوزای هزار و سیصد و یک راجع بمنع صدور پوست بره را الغاء مینماید. ماده دوم - در موقع صدور پوستهای بره درینک خواهد شد.)

بره از فرار صدی چهار از قیمت برای حق جواز دریافت خواهد شد.

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - بنده موافقم.

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - موافقم.

رئیس - آقای دکتر آقاییان (اجازه)

دکتر آقاییان - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

دکتر آقاییان - مخالفت من از این نقطه نظر است که اگر این پوست بره که صادر می شود بایستی مالیات بدهد این ترتیب اصولاً غلط است برای اینکه از اجناسی که صادر می شود نباید گمرک گرفته شود.

حالا برای ازدیاد عایدات مملکتی گرفته میشود ولی از روی قیمت مالیات گرفتن فطرتاً چرادر خارج مالیات از روی قیمت جنس است ولی آن جنس را کتور کارخانه دارد دلائل بیشتر دارد و معلوم است قیمت خرید چیست و از آن رو مالیات گرفته می شود. ولی در اینجا بین تاجر و دولت که آیا قیمت این جنس چقدر است اسباب زحمت میشود اگر آقایان در نظر داشته باشند قانون منع کشتار بره و صدور پوست بره تا زکی ندارد در سال بود که مطابق تصویب نامه هیئت وزراء اقدام کرده بودند و پوست رایسه طبقه تقسیم کرده بودند و یک مبلغ معینی از هر عدد پوست دریافت میکردند.

بنده تصور می کنم هم از نقطه نظر سهولت امر و هم از نقطه نظر پوست و هم از نقطه نظر تجاری که حمل و نقل میکنند بهتر اینست که میزان مالیات معین شود که از هر پوستی چقدر مالیات بگیرند.

مخبر - در کمیسیون در این موضوع مذاکره زیاد شده نه اینست که بدون مطالعه و حرف باشد تعیین قیمت یا بنظر و بهر طوری که میخواهیم بنویسیم باز دچار اشکال و زحمت میشدیم زیرا پوستهایی که در مملکت پوست خراسان یا پوست شیرازی یا پوست اصفهان یا جاهای دیگر تفاوت کلی دارد و در همان سه نمره هم که فرمودند باز پوست فارس را نمیشود بطور کلی دوقران و پوست فلان نقطه را سه قران برای اینکه بین همان پوست های شیرازی هم تفاوت کلیتاً پوست قشقایی راده شاهی هم میفرند ولی پوست ایلات دیگر یکی دو

سه قران دارد و همچنین در خراسان یک پوست هست که دوقران قیمت دارد یک پوست هست که دو قران قیمت شیرازی وقتی که خارج میشود هر کدام فلاقتدر بگمرک بدهند برای اینکه آنوقت یک پوستی که ده شاهی قیمت ندارد یکقران می دهد و یک پوستی هم که دو تومان قیمت دارد یک قران بساید بدهد.

این باعث تبعیض است اما از حیث تقدیم هم آسانست برای اینکه در اداره گمرک سرحدی شما یک موقومین مطلقاً هستند و درین قبیل امور خیلی بصیرند بملاوه هیچ وقت نشده است که یک نفر شکایت کند که فلان جنس مرا علاوه بر قیمتش تقدیم کرده اند مثلاً در قیمت قالی جوهری بوده است یا نبوده است پس از این حیث هم خیال راحت باشد جمعی از نمایندگان مذاکرات کابینه

رئیس - دوقره پیشنهاد ماده الحاقیه رسیده است قرانت و بکمیسیون مراجعه می شود (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای تهرانی - بنده پیشنهاد مینماید که ماده الحاقیه اضافه شود.

ماده الحاقیه عوائقی که از اینراه وصول می شود پس از وضع مضاراج لازمه آن اختصاص بمدارس ابتدائی خواهد شد

ایضاً پیشنهاد آقای تهرانی - بنده پیشنهاد می نماید که فقره دوم بطریق ذیل اصلاح شود در موقع صدور پوستهای بره از فرار صدی ده از قیمت برای حق جواز دریافت خواهد شد

رئیس - باید رأی گرفته شود باینکه شوردوم بشود یا نه آقایان بیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - پیشنهاد آقای افشار می شود (بشرح ذیل خوانده شد)

معتبراً پیشنهاد میکنم لایحه مربوطه بشهر به جمشید خان افشار مرصوف بمجد السلطنه جزو دستور گذارده شود

رئیس - جزء دستور امروز یا فردا ؟

افشار - فردا

رئیس - خیر کمیسیون بودجه راجع به پوست فلان نقطه را سه قران برای اینکه بین همان پوست های شیرازی هم تفاوت کلیتاً پوست قشقایی راده شاهی هم میفرند ولی پوست ایلات دیگر یکی دو

رئیس - دستور فردا اولاً کمیسیون بودجه راجع بمجد السلطنه بمخبر کمیسیون بودجه راجع بمستعدمین بلژیکی بمده خیر کمیسیون فوائد عامه راجع بامتیازات السوس.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده چندجمله است که منتظرم آقای کفیل وزارت معارف تشریف بیاورند و جواب سؤال بنده را که چندروز قبل صورت آنرا تقدیم مقام ریاست کرده ام بفرمایند.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - یکی از موضوعاتی که وقت غالباً آقایان نمایندگان و دولت و رئیس - الوزرا را اشغال میکرد موضوع منتظرین خدمت بود موضوع منتظرین خدمت یک موضوعی بود که اغلب اوقات اشخاص رسمی صرف خواندن شکایات و کاغذها و بالاخره آوردن تظلمات آنها بدوایر دولتی میشد و کمیسیون بودجه هم در سال گذشته شاید یک ثلث اوقاتش در این موضوع صرف شد

تا اینکه بالاخره موفق شد سالی صد و هشتاد و نه تومان برای حقوق آنها از مجلس گذرانند و ما تصور کردیم دیگر این موضوع خانه یافت و از این قسمت گرفتاری دولت و وکلاء نجات پیدا کردند.

اخیراً یک عده اشخاص پیش بنده آمدند در جاهای دیگر هم بنده آنها را دیده ام که شکایاتی دارند.

یکی از شکایاتشان این است که در تقسیم حقوق منتظرین خدمت رعایت قانون نشده

یکی دیگر اینکه در پرداختن رعایت عدل و انصاف نمیشود بعضی ها که انتظار خدمتشان مسلم شده و سند هم بدست آنها داده اند تقریباً یک ماه حقوق بیشتر به آنها داده نشده و بعضی ها حقوق فروردین امسال را هم نگرفته اند

بعضی ها سه ماه گرفته اند و بالاخره همان شکایاتی که منتظرین خدمت قبل از تصویب این پول داشتند

حالا هم دارند و چون نماینده دولت هم تشریف دارند خواستم تذکر بدهم وقتی که بناست یک چنین پول گزافی داده شود خوبست رعایت عدل و انصاف در تقسیم این پول بشود و تبعیضات از بین بر داشته شود.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - راجع بدستور عرض دارم.

رئیس - آقای الموتی (اجازه)

الموتی - بنده هیچ زمان نمی خواهم یک اصلاحی که در مملکت شروع میشود در آن تبعیض شود و هیچوقت هم نمی خواهم صحبت خودم را اختصاص بدهم به آن

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - قبل از دستور

رئیس - آقای خوشتری (اجازه)

خوشتری - بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم.

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - یکی از موضوعاتی که وقت غالباً آقایان نمایندگان و دولت و رئیس - الوزرا را اشغال میکرد موضوع منتظرین خدمت بود موضوع منتظرین خدمت یک موضوعی بود که اغلب اوقات اشخاص رسمی صرف خواندن شکایات و کاغذها و بالاخره آوردن تظلمات آنها بدوایر دولتی میشد و کمیسیون بودجه هم در سال گذشته شاید یک ثلث اوقاتش در این موضوع صرف شد

تا اینکه بالاخره موفق شد سالی صد و هشتاد و نه تومان برای حقوق آنها از مجلس گذرانند و ما تصور کردیم دیگر این موضوع خانه یافت و از این قسمت گرفتاری دولت و وکلاء نجات پیدا کردند.

اخیراً یک عده اشخاص پیش بنده آمدند در جاهای دیگر هم بنده آنها را دیده ام که شکایاتی دارند.

یکی از شکایاتشان این است که در تقسیم حقوق منتظرین خدمت رعایت قانون نشده

یکی دیگر اینکه در پرداختن رعایت عدل و انصاف نمیشود بعضی ها که انتظار خدمتشان مسلم شده و سند هم بدست آنها داده اند تقریباً یک ماه حقوق بیشتر به آنها داده نشده و بعضی ها حقوق فروردین امسال را هم نگرفته اند

بعضی ها سه ماه گرفته اند و بالاخره همان شکایاتی که منتظرین خدمت قبل از تصویب این پول داشتند

حالا هم دارند و چون نماینده دولت هم تشریف دارند خواستم تذکر بدهم وقتی که بناست یک چنین پول گزافی داده شود خوبست رعایت عدل و انصاف در تقسیم این پول بشود و تبعیضات از بین بر داشته شود.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - راجع بدستور عرض دارم.

رئیس - آقای الموتی (اجازه)

الموتی - بنده هیچ زمان نمی خواهم یک اصلاحی که در مملکت شروع میشود در آن تبعیض شود و هیچوقت هم نمی خواهم صحبت خودم را اختصاص بدهم به آن

نقطه که بنده را انتخاب کرده اند ولی چیزی که بنده را اوداد کرده است که اینجا پیام واسترحام کنم از مجلس که شاید بدل توجهی بفرمایند این است که مواضع قزوین از حیث زراعت و تجارت بسیار بزرگ و در هم و بر هم شده که حد و وصف ندارد. سه سال بودی قنوت قزوین دچار سیل و تگرگ و سایر آفات شد و هر چه هم تظلم کردند ابداً توجهی بحال آنها نشد.

قریب پانزده هزار نفر زن و مرد از شهر و دهات متفرق شده اند و کم کم نزدیک است بکلی دهات خالی از سکنه بشود.

پیشنهادی هم در باب آب شاهرود شد در جواب گفتند وجه نیست.

بنده نمی دانم اصلاح کار قزوین را بنده از غیر از مجلس از کجی بخواهم مواضع تجارتش چندین سال است که بکلی درهم و برهم شده و هیچ بدل توجهی نسبت بآنها نشده فقط تا اندازه دلخوش بودند باینکه مواضع زراعتشان شاید فی الجمله رو به بهبودی بگذارد و یک مساعدتی بآنها شود ولی هر چند تظلم میکنند هیچ رسیدگی نمی شود.

این زنهائی که در کوچه و معاله های طهران گردش می کنند غالباً یا خرقانی و یا از دهاتی های قزوین هستند اینست که از مجلس محترم تمنا دارم بدل توجهی در این خصوص بشود نه اینکه مثل پیشنهاد آقای میرزا بداد خان (که راجع بدهاتی است که زیر گوش تهران است) این مسئله هم در طاق نشبان بماند.

یابک مساعدتی بآن کسانی که در آنجا مالکند بشود یا اینکه بآن اشخاصی که امروز آنجا رفته اند و آنقدر سختگیری واقفیت می کنند دستور داده شود که این اندازه سختگیری نکنند تا اینکه بجای رای آنها بشود یا بفرمایند.

بالمواضع تغییر کرده امی برای خلاصیشان بیجا شود.

اینست که بنده امروز اینجا آمدم که از مجلس استرحام کنم و از مقام محترم ریاست تقاضا می نمایم بکسانی که لازم است یک تذکری بدهند که شاید قزوین که روز بروز رو به خرابی و ویرانی میرود نجات پیدا کند. معاللاً دیگر عرضی ندارم

بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور شویم

جمعی از نمایندگان - بل

رئیس - دستور امروز اولاً خیر کمیسیون بودجه راجع به جمشید خان افشار تا بیکه خیر کمیسیون بودجه راجع به

حائری زاده - بنده در دستور عرض دارم.

رئیس - پیشنهاد آقای افشار فراتر

می شود.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد می کنم لایحه راجع به مجد السلطنه افشار از دستور امروز خارج شود.

رئیس - رای می گیریم آقایانی که این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(جمعی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد.

حائری زاده - بنده اسندها میکنم اگر صلاح بدانند لایحه راجع بمحسوب داشتن مستعریات و مطالباتی که اشخاص متفرقه از دولت دارند در مقابل بدهی مالیاتی آنها قبل از دستور امروز مطرح شود چون مایه مالیات را از آنها مطالبه می کنند و اگر طلبی داشته باشند بطور موقوفه می ماند.

یک لایحه دولت در این باب تقدیم مجلس کرده و کمیسیون هم یک خبری داده است شور او را هم هست چندان طول نخواهد کشید. آنرا جز دستور قرار دهند که تکلیفش معلوم شود

رئیس - رای می گیریم آقایانی که تقاضای آقای حائری را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اقبال قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد دیگر (باین طریق خوانده شد)

پیشنهاد شاهرزاده معتمد ولی میرزا - پیشنهاد می کنم خیر کمیسیون بودجه راجع بعقوبت وراثت مرحوم تاورالتک جزه دستور شود

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - تصویب نشد (خطاب به آقای حائری زاده) این تقاضائی که کردید هنوز خبرش از کمیسیون جدید نیامده است

حائری زاده - کمیسیون جدید موافق است

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده خواستم پیشنهاد کنم همان دستوری که جلسه قبل مین کرده ایم همان را تعقیب کنیم و در ساعت وقت مجلس رانظف نکنیم

(خیر کمیسیون بودجه راجع بشهریه مجد السلطنه افشار اینطور خوانده شد)

ماده واحده - وزارت مایه مجاز است از اول فروردین ۱۳۰۴ ماهی دویست تومان شهریه در باره آقای مجد السلطنه افشار از محل اعتبارات شهریه و مستعریات پرداخت نماید

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده کار باینکه ایشان چکار کرده اند وجه خیالاتی در باره آذربایجان داشته اند و خدمت کرده اند بنشینات کرده اند ندارم.

باینکه تحریه آذربایجان را میخواستند اند باینها کارند از نظر راجع بکلیه شهریه ها عرض میکنم که این شهریه ها از کدام محل باید داده شود آنهم باین قبیل اشخاص که از قراری بنده ششدها ششصد یازده ملک دارد هر روز ما اینجا شهریه تصویب کنیم آنوقت در آخر سال دولت یک لایحه بیاورد که مثلاً حقوق وزارت هدایه پادشاه با فلان وزارتخانه نرسیده و سه چهارم کرور کسر داریم و ناچار شویم یک مالیاتهایی برای این ملت فقیر تحمیل کنیم دولت تومان برای این قبیل اشخاص شهریه بکنیم

از این جهت بنده باین لایحه و کابیه لواجم که بالاخره در نتیجه تحصیل بر ملت می شود مخالفم

مخبر - برای اینکه رفع اشتباه از آقایان بشود عرض میکنم که این شهریه دویست تومان نیست تقریباً شصت و چهار تومان است یعنی همان مبلغی است که بموجب تصویب کلی از مجلس چهارم از شهریه او کسر شده و اینکه فرمودند معاش گییا است ؟

عرض میکنم تا عمل این قبیل چیزها را دولت معین نکنند کمیسیون بودجه آنرا تصویب نمیکند و معاش هم از همان محل اعتبار شهریه دستورها است و اینکه فرمودید سیصد یازده آبادی گمان میکنم صحت نداشته باشد مطابق تحقیقاتی که از اشخاص مطلع موثق در کمیسیون شد سیصد یازده نیست بلکه سه یازده هم نیست و وضعیت این شخص و خانواده این شخص در نهایت یریشانی است این بود که لازم دانستم بعرض مجلس برسانم

بعضی از نمایندگان - مندا کرات کافی جمعی گفتند کافی نیست

رئیس - رای می گیریم آقایان باینکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

(جمعی برخاستند)

رئیس - معلوم میشود کافی است.

آقای الموتی (اجازه)

الموتی - انشاء الله در موقع خودش راجع بتمام شهریه ها که عنقریب بمجلس میاید بنده عقیده خودم را عرض خواهم کرد ولی امروز فقط چیزی را که میخواستم بعرض آقایان برسانم این بود که شاد لیل اینکه شهریه برای اشخاص معین میکنید این استیکه میگویند فقیرند

بنده عرض میکنم این وجود اشخاصی که گرفته میشود امروز با مالک صحرا و دغ زندگانی میکنند تا بکنند هم کسبه توی شهر هستند که با سیلی صورت خودشان را سرخ کرده اند

اگر بنا شود شهریه داده شود خوب است صبر کنید و این اشخاص یک قدری عطفه بدهید تا جاق شوند بمسکه چاق شدند آنوقت این پولها را از آنها بگیرید و شهریه بدهید این شهریه ها همان شهریه هائی است که در دربار استبداد برای مردم قرار میدادند و این یک گناهی برای اشخاصی شد که قابل بخشایش نبود

امروز ما بصورت قانون در میاوریم و برای این اشخاص شهریه تصویب میکنیم بنده مجد السلطنه را ابداً نمیشناسم و با او عداوتی هم ندارم فقط بواسطه مسؤلیت خودم این عرض را کردم

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

ضیاء - عرضی ندارم

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - بعضی از آقایان مخالفین شایعات و مسووعات خودشان را بمنزله یک اطلاعات فطنی میگیرند و از روی آن اطلاعات قضاوت میکنند.

الموتی - محسوسات است.

رهنما - یکی از آن موارد همین جا است.

فامیل مجد السلطنه افشار یک فامیل نجیب خدمتگذار باین مملکت میباشد و در راه آزادی این مملکت تمام دارائی خودش را داده است.

در موقعی که پنجاه هزار تومان رسد هزار تومان حقوق دیگران تصویب میکنند یک نفر که تمام دارائیش زیر چکمه سادات روسی رفته است او نمیشود گفت شهریه نکیر مجد السلطنه افشار بکنند بیست که دارائیش رفته است.

این کار اولی بارمان ایران نیست نواحی شمالی فرانسه که خراب شده دولت قرض می کند و قبل از اینکه پولش را از آلمانها بگیرد میرود بآنها میردازد که نواحی خراب شده آباد شود

آنوقت زیر بار یک قرض سنگین میافتد که فرانک دولت فرانسه از بیست و پنج فرانک میرسد به نود و پنج فرانک و چرا ؟ اینکار را میکنند

برای اینکه یک اشخاص شرافتندی دارا ایشان از بین رفته است و کلای بارمان و زمامداران فرانسه فوق العاده اشخاص وطن پرست میباشد

ولی چیزی که هست این را وظیفه خودشان میدانند که نگذارند یک نفر بیاد ناپود شود و از بین برود

شما یک مطالعات کلی دارید و جزء

بنده عرض میکنم این وجود اشخاصی که گرفته میشود امروز با مالک صحرا و دغ زندگانی میکنند تا بکنند هم کسبه توی شهر هستند که با سیلی صورت خودشان را سرخ کرده اند

اگر بنا شود شهریه داده شود خوب است صبر کنید و این اشخاص یک قدری عطفه بدهید تا جاق شوند بمسکه چاق شدند آنوقت این پولها را از آنها بگیرید و شهریه بدهید این شهریه ها همان شهریه هائی است که در دربار استبداد برای مردم قرار میدادند و این یک گناهی برای اشخاصی شد که قابل بخشایش نبود

امروز ما بصورت قانون در میاوریم و برای این اشخاص شهریه تصویب میکنیم بنده مجد السلطنه را ابداً نمیشناسم و با او عداوتی هم ندارم فقط بواسطه مسؤلیت خودم این عرض را کردم

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

ضیاء - عرضی ندارم

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - بعضی از آقایان مخالفین شایعات و مسووعات خودشان را بمنزله یک اطلاعات فطنی میگیرند و از روی آن اطلاعات قضاوت میکنند.

الموتی - محسوسات است.

رهنما - یکی از آن موارد همین جا است.

فامیل مجد السلطنه افشار یک فامیل نجیب خدمتگذار باین مملکت میباشد و در راه آزادی این مملکت تمام دارائی خودش را داده است.

در موقعی که پنجاه هزار تومان رسد هزار تومان حقوق دیگران تصویب میکنند یک نفر که تمام دارائیش زیر چکمه سادات روسی رفته است او نمیشود گفت شهریه نکیر مجد السلطنه افشار بکنند بیست که دارائیش رفته است.

این کار اولی بارمان ایران نیست نواحی شمالی فرانسه که خراب شده دولت قرض می کند و قبل از اینکه پولش را از آلمانها بگیرد میرود بآنها میردازد که نواحی خراب شده آباد شود

آنوقت زیر بار یک قرض سنگین میافتد که فرانک دولت فرانسه از بیست و پنج فرانک میرسد به نود و پنج فرانک و چرا ؟ اینکار را میکنند

برای اینکه یک اشخاص شرافتندی دارا ایشان از بین رفته است و کلای بارمان و زمامداران فرانسه فوق العاده اشخاص وطن پرست میباشد

ولی چیزی که هست این را وظیفه خودشان میدانند که نگذارند یک نفر بیاد ناپود شود و از بین برود

شما یک مطالعات کلی دارید و جزء

بنده پیشنهاد میکنم کلمه همان سته از ماده حذف شود

جای پیشنهاد سابق این بنده پیشنهاد می نمایم که پس از (و شهری) اضافه شود (فقط تا یکصد تومان) طهران بنده پیشنهاد ذیل را تقدیم می کنم دولت مجاز است مطالبات مصدقه و تاقیه اشخاص را از بابت بدهی مالیاتی آنان احتساب کند مشروط بر اینکه مطالبات راجع به شهری و مستمری و یا حقوق و مقرری اداری همان اشخاص بوده و مربوط بپیمانه تاریخ ۱۳۲۸ باشد شریعت زاده

بنده پیشنهاد میکنم بجای ماده اول این قسم نوشته شود کلیه مطالبات اشخاص که جنسی بدولت فروخته یا برای دولت مزدوری نموده اند باید بابت مالیات آنها محسوب بشود.

محمد هاشم میرزا این بنده پیشنهاد می نمایم که پس از لغت دولت در (پرانتر) اضافه شود که در کمیسیون مالیه تصدیق شده باشد طهران

شیخ محمد علی النونی پیشنهاد می نماید اشخاصی که مالیات بده هستند یعنی هایدات دارند و محتاج به شهری و مستمری نیستند علاوه بر اینکه مستمری و شهری آنان در عوض مالیات محسوب نشود مستمری و شهری آنان قطعی شود.

رئیس - ماده دوم (بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - مستمری و شهری فقط بنده شهری بگیرا تاوی می نماید در مقابل بدهی دائن محسوب خواهد شد

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - مستمری و شهری باندازه نرخ معمول بنده نرخ معمول را نباید نام چقدر است زیرا در ماده باید میگویند نسبت به همان سته.

یعنی اگر از زمان قنوت در یک کابینه یک عده اشخاص آمده اند تصویب نامه تومان تومان صادر کرده اند بنده بنده به عهده بنده اساساً آن تصویب نامه را بر خلاف قانون اساسی می دانم و هر صلی که در دوره قنوت شده تمام را باطل و غلط می دانم

بنابراین آنوقت یک کسی که آمده تومانی دوریال مستمری را تومانی یک تومان کرده حالاهم که می خواهد حساب خودش را که تقریباً از دوره فتعلی شاه تا حالاداشته حساب کند

مطابق مفاد این ماده (بعداگر ماده را را عوض کنند چه عرض کنم) ولی به موجب این ماده از زمان خاقان مقنن هر چه بدهی بدولت دارد چون نوبی کتابچه مستمریات اسس نوشته شده باید مالیاتی

راجش به بختند مالیات که نداد مزور داشته تفک داشته.

اینها را از همان موقع حساب کنند بگوید من مده خور بودم چون آن روز مفت خور بودم امروز مالیات نمی دهم. این است که عرض می کنم مخالفت بنده باین ماده برای همین است.

(مستمری و شهری فقط باندازه نرخ معمول این نرخ معمول) این نرخ معمول تعیینش لابد با یکی مستخدمین مالیه خواهد بود.

یکی که زور ندارد می گویند باید نرخ معمول تومانی دوریال حساب شود و یکی دیگر که نفوذ دارد و می تواند برود و وزارت مالیه راحت نفوذ تأثیر خودش در پی آورد این دیگر نرخ معمولش یک تومان می شود.

این دیگر بخت است بدست و نفوذ اشخاصی که بوقت تفک داشتند و مالیات نمی دادند حالا نور دیگر مالیات نمی دهند یعنی حالا که باید نوبی سرش بزند و مالیاتش را بگیرند می گویند یک وقتی کافد پاره بدست من بوده حالا نیاستی مالیات بدهم و بالاخره بنده با این نرخ معمول هم مخالفم.

مخبر - عیب کار اینجا است که ایشان بعد از اظهار مخالفت عرض ما را گوش نمی دهند و مکررات می فرمایند.

اینکه می گویند از عهد فتعلی شاه است اولاً فتعلی شاه کتاب مستمریات باقی نمانده کتاب مستمریات همان است که از تصویب مجلس گذشته است اما راجع بنرخ معمول که می فرمایند.

بنده کاری ندارم تمام تصویب نامه هائی که در دوره قنوت صادر شده و لسی همان تصویب نامه هائی که در آن موقع راجع به مستمریات صادر شده بنفع دولت بوده است مجلس کی رای داد تومانی پنجقران بدهند؟

مجلس کی رای داد تومانی دو ریال بدهند اینها بموجب تصویب نامه های دوره قنوت است یک کابینه آمد تومانی پنجقران کرد یک کابینه تومانی دو ریال کرد.

اینرا هم مثل سایر چیزهای دوره قنوت نمی شود حساب کرد به علاوه نرخ معمول که میگویند یعنی نرخ معمول مربوط به همان سته.

مثلاً سه لوی تیل راتومانی پنجقران داده اند حالا هم تومانی پنجقران حساب می نمایند یا یک نفر تومانی تومان گرفته حالا هم باید همانطور محسوب دارند.

منصود این است که نرخ معمول همان سال زادر نظر بگیرند یکسال معمول بوده است که تمام مستمریات راتومانی دو ریال داده اند حالاهم بهمان نرخ تومانی دوریال حساب می کنند.

مجلس کی رای داد تومانی پنجقران بدهند اینها بموجب تصویب نامه های دوره قنوت است یک کابینه آمد تومانی پنجقران کرد یک کابینه تومانی دو ریال کرد.

اینرا هم مثل سایر چیزهای دوره قنوت نمی شود حساب کرد به علاوه نرخ معمول که میگویند یعنی نرخ معمول مربوط به همان سته.

مثلاً سه لوی تیل راتومانی پنجقران داده اند حالا هم تومانی پنجقران حساب می نمایند یا یک نفر تومانی تومان گرفته حالا هم باید همانطور محسوب دارند.

ایشرا بایدوزارت مالیه تشخیص بدهد و شاهام مطمن باشید که امروز وزارت مالیه تومانی دوریال رادو ریال و یکشاهی نخواهد داد و اینهم مربوط باسالم نیست چرا برای اینکه اصل محتاج نیستند اصل راقانون محاسبات عمومی جلوش را نمیگیرند این مربوط باسالمی گذشته است و خیلی هم اگر بخواهیم جلو برویم باید از مجلس اول بگیریم تا حالا در صورتیکه این اندازه هم نیست.

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

ضیاء - بنده می خواستم عرض کنم که فقط یک ماده الحاقیه از این قانون بیشتر نمانده است و مذاکرات زیادی هم لازم نخواهد داشت و راجع بپایزه نفریادوازه نفر مستخدمین بلویکی هم همه موافقت و ممکن است جزء دستور در جلسه آتی باشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرض کردم با کفایت مذاکرات مخالفم اجازه می فرمایند

رئیس - بفرمایند

آقا سید یعقوب - بنده برای خاطر این عرض کردم مخالفم زیرا رای دادن تصدیق است تصدیق بدون تصور موضوع را هم گمان نیستیم هیچ عاقلی بنماید. حالا که مایاید رای بهمیم بنابر فرمایش خود آقای عدادالسلطنه ما نمی دانیم چقدر است و از چه راه است؟

بنابراین مایبک چیز مجهول بهمیم چطور رای بدهیم تصدیق فرغ بر تصور است این است جهت مخالفت بنده

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه مذاکرات رادو ماده دو کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است ماده الحاقیه پیشنهاد آقای دکتر آقایان (بضمون ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم: شهری با مستمری که قبل از این قانون در مقابل محکومیت صاحبان آن ها در توقیف عدلیه بوده شامل این قانون نمی باشد

رئیس - شورا اول تمام شد باید رای بگیریم بودرد و شور ثانی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

ماده السلطنه - بنده می خواستم عرض کنم لایحه بلویکیها بیناسیاتی که همه آقایان می دانند چون تجدید کنترات است و موهد زیادی هم بانقض مدت کثرتراشان باقی نمانده باید زودتر تکلیفشان معلوم شود خوب است امروز جزو دستور شود که تکلیفش معلوم شود آنوقت به پس فردا لویایی که هست همه شان تمام خواهد شد.

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

ضیاء - بنده می خواستم عرض کنم که فقط یک ماده الحاقیه از این قانون بیشتر نمانده است و مذاکرات زیادی هم لازم نخواهد داشت و راجع بپایزه نفریادوازه نفر مستخدمین بلویکی هم همه موافقت و ممکن است جزء دستور در جلسه آتی باشد

رئیس - رای گرفته می شود پیشنهاد آقای ضیاء آقایان موافقتین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

(واپورت مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - دولت مکلف است که اوزان فلزی را که در مملکت تا تاریخ تصویب این قانون موجود است در عوض اوزان جدید از همان فلز با کسر سه عشر از وزن قبول نماید.

جدول منضم باین قانون موافق با همان صورت است که اخیراً ضمیمه بوده اضافه مقررات ذیل:

اضافات - در اضافات مقیاس - سطح: میل مربع یکمیلیون کز مربع یک کیلومتر مربع در اجزای مقیاس حجم: موی مکعب یک میلیتر مکعب در مقیاس وزن: مثقال ۱۰ گرم

رئیس - مخبر کمیسیون حاضر نیست

یک نفر از نمایندگان - منشی هست

رئیس - آقای ضیائی (اجازه)

ضیائی - بنده موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - از این ماده الحاقیه اینطور مستفاد می شود که برای متخرج تهیه سنگهای جدید یک تفاوتی معین شده است و آن تفاوت این است از برای ساختن همان سنگ در صورتیکه اینطور نیست

جدیده را عرض بدهد مگر اینکه مجلس در نظر داشته باشد که یک اعتباری بدوات بدهد که اگر سه عشر سنگهای سابقه کافی نباشد از روی آن اعتبار متخرج را بپردازد و به قریب بنده این ماده عملی نیست و تا یک اعتبار مخصوص در نظر نداشته باشد نمیتواند این کار را بکند

رئیس - آقای ضیاء (اجازه)

ضیاء - بنده خاطر معترم آقای شریعت زاده را تذکر میدهم که اصل لایحه بقسمی تدوین شده که ساختن اوزان و سنگ برای هر کسی آزاد است

مثلاً فلان آهنگر یا مسگر صد من سنگ لازم دارد در حالتی که خودش آهنگر است

یا فلان مسگر در حالتی که خودش مسگر است

در اینصورت اشخاصی هستند که خودشان سنگ برای خودشان تهیه می کنند مطابق همان ترتیبی که وزارت فوائد عامه در قانون و نظامنامه معین کرده است و پس از آنکه بهر وزارت فوائد عامه رسیده

آن سنگ را بکار می اندازد در کلیاتش هم در این موضوع خیلی مذاکره شده و نظر معترم بعضی از آقایان این بود که در دهات و قراص ممکن است اشخاص بی بضاعتی باشند و در آنجا هم آهنگر یا مسگر نباشد و بشوهند سنگهایشان را عوض کنند این بود که برای تسهیل امر اظهار رای شد و مجلس هم موافقت کرد

که در این گونه امور سنگهایی که تهیه می شود برای مردم بی بضاعت که در دهات هستند سنگهایی که آنها موجود دارند و از آهن با سایر فلزات است

آنها را بگیرند سه عشر کسر کنند و در عوض سنگ جدید بآنها بدهند

این بود که از نقطه نظر تسهیل امر این ماده را پیشنهاد کردند و در جلسات گذشته هم مجلس موافقت کرد و کمیسیون هم از همین نقطه نظر اظهار موافقت نموده است

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

معاون وزارت مالیه - برای اصلاح این منظور اعتباری را که آقای شریعت زاده متذکر شدند لازم است در جای خودش صحیح است

و علاوه پیش بینی این قسم چیزهایی را هم که آقای ضیاء الواعظین فرمودند لازم است یعنی راجع بقراه و قصبات و مساعدت باشخاص بی بضاعت و آنهایی که استطاعت ندارند

آن هم صحیح است ولی بنده در این جا یک اشکالی بنظر رسیده که اگر رفع این اشکال هم بشود

خیلی خوب است و آن این است که در سنگهای جدیدی که ساخته می شود ملزم نیستند

حتماً از همان فلزی باشد که سنگهای قدیم ساخته شده است زیرا ممکن است که غالباً سنگهای قدیم از آهن باشد ولی سنگهای جدید را از یک فلزهای مخلوطی بمناسبت وزن و استحکام و اینکه فرمایشی بیهانکنند

تهیه کنند و اینکه در تبصره یا ماده نوشته شده است که از سنگهای قدیم در مقابل وزنه های جدید معادل سه عشر کسر می کنند

این در صورتی است که از یک فلز واحد ولی وقتی فلز واحد نباشد اشکال پیش می آید بنابراین اگر رفع این اشکال هم بشود خیلی خوب است

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است؟

جمعی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب الدین (بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم جمله تاریخ تصویب این قانون تبدیل شود جمله تاریخ اجراء این قانون 'هریک از نقاط آقامیرزاشهاب - در اینجا نوشته شده است تاریخ تصویب این قانون اوزان فلزی که موجود است تبدیل می شود باوزان جدید

این اوزان فلزی موجود هیچکدام تاریخ رویش نیست و ممکن است در موقع اجراء این قانون مأمورین این امر هر کدام از اوزان را که میخواهند قبول کنند بگیرند اینها را بعد از تصویب این قانون درست کرده اید بنابراین باید اینجا نوشته شود تأخیر اجراء این قانون هر چه موجود است دارند آن وزنه بتواند آن فلز را بدهد در عوض وزنه جدید بگیرد

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - این بنده تصوری کنم لازم باشد

بعضی از نمایندگان - این مربوط بهم نبود

رئیس - رای میگیریم آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد مراجعه می شود بکمیسیون ماده دهم (بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۰ - وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه مأمور اجراء این قانون و سایر وزارتخانهها نیز هر یک در حدود اختیارات خود در اجراء آن مشارکت خواهند نمود

رئیس - مخالفی ندارد؟

جمعی از نمایندگان - از نمایندگان خیر

رئیس - بعد از آنکه تکلیف آن ماده که مراجعه شد بکمیسیون معین شد آن وقت این ماده بازده میشود

رای می گیریم آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در مقابل تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس - تصویب شد

رئیس - تصویب شد

رئیس - تصویب شد

رئیس - تصویب شد

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد

بهر مکعب مساوی یک سانتی متر مکعب

رئیس - تصویب شد

فرمانند
(اغلب برخاستند)
رئیس - تصویب شد
سنگ : هزاردم
رئیس - آقایانی که تصویب می نمایند قیام فرمایند.
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - اینجاستاهی شده متقال راده درم فرائت نمودند باید ده گرم باشد.
تیسره دولت می تواند معض سهولت معاملات اجزاء واضعاف فرمی برای مقیاس های وزن تهیه نماید
رئیس - مخالفی دارد
شیروانی - بنده مخالفم
قدین - بنده هم مخالفم
رئیس - آقای قدین (اجازه)
قدین - اینجاء اجزاء واضعاف بطور مطلق نوشته شده و باید اینجاء کلمه اعشاری راعلاوه کنند که رفع اختلاف بشود. باید بنویسند اضعاف اجزاء اعشاری
رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت؟
آقا سید یعقوب - بلی بنده می خواستم عرض کنم این اشکالی ندارد در کتب یون هم این صحبت شد اشکالی ندارد
رئیس - قای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده هم نظرم همین طور است که آقای قدین فرمودند زیرا اینجاء اضعاف اجزاء اعشاری است یا غیر اعشاری؟ اگر اعشاری است باید ذکر شود و اگر غیر اعشاری است که نقش فرش است. زیرا ما میخواستیم اصول سیستم مطریک را بنویسیم.
رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)
تقی زاده - بنده تصور میکنم اینجا مقصود غیر اعشاری است و در کمیسیون هم که در این مسئله مقصودشان این بود که من وسایر سنگهایی هم که فعلا موجود است این زودی از بین نرود.
یعنی اگر دولت من را میخواست سه سنگ قرار بدهد بتواند یا اگر بخواهند یک چیزهای دیگری مثلا پنج مثقالی یا چارک یا سیر داشته باشند بتوانند در هر صورت اساسش باید روی همان سنگ دردم باشد.
رئیس - شاهزاده غلامحسین میرزا (اجازه)
غلامحسین میرزا - در کمیسیون هم همین طور که آقای تقی زاده فرمودند مقصود این بود که یک وزنه های دیگری هم مثلا اگر بخواهند وزن پنج درمی که

مساوی با پنج گرم است داشته باشند بتوانند درست کنند و در آنجاها می اضافه کماصول سیستم مطریک هم کلاما جاری است معذک آنجا هم همین طور است.
مثلا در فرانسه اوزانی است که مساوی است با سه کیلو یا چهار کیلو یا پنج کیلو یا این هیچ مانعی ندارد. اینجا شما اجازه میدید که اگر دولت بخواهد یک اوزانی که مثلا مساوی با پنج کیلو یا سه کیلو باشد تهیه نماید بتواند.
رئیس - آقای قدین (اجازه)
قدین بنده مقصود همان بود که عرض کردم ولی بعد از توضیحاتی که آقای تقی زاده دادند اشکال زیادتر شد و کلاما مخالفم زیرا (اضعاف اجزاء هر قدر که دولت بخواهد مختار است درست کند)
اگر در حدود کسر اعشاری باشد میتواند والا اگر غیر از کسر اعشاری باشد آنوقت باز این همان وضعیتی میشود که در سابق داشتیم مثل بیست و چهار نهد یک متقال شانزده متقال یک سیر.
چهل سیریک من و بالاخره صد من یک هروار و این نقش غرض است و در این مدت یک زحمت بیفایده کشیده ایم. بنابراین بنده بعد از توضیحاتی که آقا دادند اگر کلمه اعشاری علاوه شود بنده هم موافقم والا مخالفم و پیشنهادی هم تقدیم کرده ام.
رئیس - آقای زهیم (اجازه)
زهیم - در اینجا بنده تصور میکنم چون بعد از اجزاء واضعاف باید کلمه اعشاری اضافه شود برای اینکه نقش کسی پنج بیانه شیر میخواست برای این یک سنگی درست می کنند و یک اسمی هم میکنند ولی وزنش پنج بیانه است و این پنج بیانه خودش اعشاری است و قابل تجزیه است بده و این را اگر بگویم حکما باید پنج تا راه پنج دفعه بکشند
برای اینکه اجزاء اعشاری پیدا شود اینکه میشود و اساسا وقتی که فاعده روی اعشاری شد طبقا اضعاف اجزاء اعشاری میشود. مثلا در مقیاس نقد واحد فران قران است وقتی که چاپ میکنیم می بینیم یک شاهی صد و بیست و هشتاد و نه فران تا اتم تا اتم هم اضعاف اجزاء اعشاری است
ولی اینکه قید شود که اینجا حکما کلمه اعشاری گنجانیده شود فایده ندارد زیرا این کلمه مهمل میماند و یک معنای علمی پیدا نمیکند جز اینکه دست و پای کسب را تنگ میکند و همانطور که آقای تقی زاده فرمودند دولت میتواند واحد را اعشاری قرار بدهد و سنگهای دیگری هم داشته باشد که کسب با او معامله کنند بنده هم با ایشان موافقم زیرا برت را کافی میدانم و گمان نمی کنم این نظری که حکما کلمه

اعشاری درش قید شود لازم باشد.
رئیس - پیشنهاد آقای قدین (بترتیب ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم که کلمه اعشاری بعد از جمله (اضعاف اجزاء فرعی) اضافه شود
رئیس - توضیحی دارید بفرمایید
قدین - بنده توضیح همان بود که عرض کردم ولی می خواستم تذکر بدهم با آقای زهیم که کسر متعارفی قابل تحویل بکسر اعشاری نیست
کسر متعارفی سه قسمت است. یک قسمتش قابل تحویل با اعشاری هست ولی دو قسم دیگرش نیست و کسر متناوب سبب و متناوب مرکب پیدا می شود
اگر مقصود اینجا است که یک چهارم واحد را بگیرند این قابل تحویل است مثل پنج در صد پنجاه صد و سه و ربعش که میشود هفتاد و پنج صد.
حالا آقای تقی زاده لایحه اوزان و مقادیر را پیشنهاد کرده اند ممکن است در درجه اول لایحه بلژیکی ها را قرار بدهیم بعد در درجه سوم همان پیشنهاد آقای سهام السلطان باشد که تکلیف آن لایحه بلژیکی ها هم معلوم شود.
رئیس - آقای ضیاء (اجازه)
ضیاء - بنده هم همانطور موافق هستم که در درجه اول اوزان و مقادیر بلژیکی ها و در درجه سوم سجل احوال باشد.
رئیس - آقای معتد السلطانه (اجازه)
معتد السلطانه - بنده ضمن پیشنهادی که تقدیم کرده ام تقاضا نموده ام از راپورت کمیسیون بودجه راجع بودجه میرزا محمود خان مشاور الملک جزء دستور جلسه آتی شود.
رئیس - مخالفی ندارد؟
رئیس - بفرمایید.
اتحاد - در اینجا هر روز بنده مشاهده میکنم یک لوابچی که مربوط بمالیات و حقوق و شهریه است جزء دستور میشود ولی آقایان قوانینی که مربوط به تمام مملکت است هیچ پیشنهاد نمیکنند.
بنده گمان میکنم همانطور که پیشنهاد شده قانون سجل احوال و مسئله اوزان و مقادیر بود پیشنهاد آقای هاد السلطانه جزء دستور شود بهتر است
رئیس - عده کافی نیست برای رای گیری عیالنا اوزان و مقادیر بود سجل احوال بعد لایحه بلژیکی ها است.
چیزی از نمایندگان صحیح است (مجلس مقارن ظاهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا
منشی م شهاب
منشی - دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۱۷۲
صورت مشروح
مجلس سوم سه شنبه پنجم خرداد ۱۳۰۴ مطابق سوم ذی قعدة سنه ۱۳۴۴
مجلس ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای قدین نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس یک شب را آقای میرزا شهاب الدین قرائت نمودند
نایب رئیس - آقای میرزائی راجع بصورت مجلس است؟
دارم
نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه)
جاج اسمعیل عراقی - قبل از دستور عرض دارم
نایب رئیس - آقای شوشتری (اجازه)
شوشتری - قبل از دستور نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
دامغانی - بنده از وزارت معارف سوالی داشتم
نایب رئیس - بنده بفرمایید راجع بصورت مجلس چیست
آقای دکتر امیراعلم (اجازه)
دکتر امیراعلم - قبل از دستور مجلس عرض دارم
نایب رئیس - آقای کارزونی (اجازه)
کارزونی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم
نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس آقایان اعتراضی ندارند (گفته شد)
وزیر پست و تلگراف - قرارداد حمل و نقل از طهران بخاتین که ما بین وزارت پست و تلگراف و مسیو کیتانه نه متفق شدو تقدیم مجلس شورای ملی می شود.
کفیل وزارت معارف - دو فقره لایحه است یکی راجع بیابانان دولساز و ...
آقا سید محمد علی شوشتری - بلندتر بفرمایید
کفیل وزارت معارف - گمان می کنم خیلی بلند بود
یکی دیگر هم راجع بسویو گمار معلم حقوقی است تقدیم مجلس شورای ملی میشود.
نایب رئیس - آقای فرمند (اجازه)
فرمند - بنده راجع بقرارداد کبابی صحبتاه تقاضای فوریت می کنم.
چنانچه در موقعی که خود من مشهد بودم

نایب رئیس - برای رای کافی نیست. ممکن است بعد رای بگیریم.
حاج میرزا عبدالوهاب - در فوریت مغاللی نیست رای نیاورند
نایب رئیس - آقای درخی (اجازه)
روحی - بنده با فوریت این لایحه مخالفم و عقیده دارم
نایب رئیس - حالا مطرح نیست عرض کردم عده برای رای گرفتن کافی نیست
آقای بیات - راجع به این مطلب است
مر نضی قلیخان بیات بلی - نایب رئیس - آقای میرزائی (اجازه)
میرزائی - اگر چه قرارداد پست همین ریبون از طرف بعضی از آقایان نمایندگان محترم راجع بظواهر تمدنیات بعضی از مأمورین مالیه مذاکراتی شده است
بهیچ وجه حسن اثری نبخشید نظر بیاس که داشتم نمیخواستم چیزی عرض بکنم ولی چکنم بقدری شکایت از مشهد میرسدنا کزیرم ادای تکلیف کرده و مطالب بعضی از مأمورین مالیه را بر عرض مجلس برسانم
بیچاره رهایی از این گندمی را که باخون چکر عمل می آورند و محصولی عایدشان میشود از راههای دور به پست خود میکشند و می آورند مالیات خود - شائرا با بنابر مالیه تحویل بدهند.
پس از اینکه چندین روز کارزونی را که خودش بازماند و این غله خودش را آورده و چندین روز در دب انبار مالیه رفت و ویلانو سر گردان ماند و از کار خودش بی کار شد تازه انبار مالیه می گوید این گندم و این جو خوب نیست باید بروی گندم دیم تهیه کنی بیآوری.
هر چه داد میزند که با این گندمی است که از همان زمینی که من زراعت کرده ام عمل آمده است و این نتیجه اوست که عایدش شده است و آورده ام من در فرسخ بازنده فرسخ بیست فرسخ راه آمده ام نمیتوانم بر گردم.
میگویند خیر غیر ممکن است تا اینکه باز این بیچاره مبرود و بچل و گندم دیگر تهیه می کند و میآورد باز همینطور گرفتار میشود تا بالاخره ناچار میشود هر میزان که آنها میگویند بدهد.
خرواری دمن و کسر با سم خاک و این قبیل چیزها را قبول کنند.
مچنین اداره تعدید هم در ولایات خیلی پر دم صدمه و فشار وارد میآورد چنانچه در موقعی که خود من مشهد بودم

مأمورین تعدید در منازل مردم میروند و اسباب زحمت و اذیت مردم را فراهم میآورند من جمله در یک منزلی رفته بودند که آنجا هم به بنده شکایت کردند و بنده هم همین شکایت ایشان را باایات وقت نوشتم و ایشان هم فرستادند با اداره مالیه جوابی که داده بودند این بود که پلی ایشان در منزل تریاک نداشته.
ولی چون موقتی که مأمور آنها رفته اسباب تریاک داشته و شکسته معسکوم است.
معسکوم بشکستن اسباب تریاک است که چرا شکسته و نخواست است من بعد تریاک بکشند.
خواستم خاطر محترم آقایان نمایندگان را مستضر بنارم که از طرف مجلس مقدس یک تذکره بدولت داده شود.
بنده اگر بخواهم شرح مطالب بعضی از مأمورین مالیه را عرض کنم شاید باعث تصدیق باشد همینقدر استعصامی گندم تذکر بدهند که در ولایات آنقدر اسباب زحمت و اذیت زار همین دره های و ملت بیچاره را فراهم میکنند.
یک تقراری هم در ضمن بگذارند که زارعین که اهشان دور است از ده فرسخ بیست فرسخ چشانشرا بشهر نیاورند و در همانجا تحویل بدهند.
نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه)
حاج آقا اسمعیل عراقی - جنسی قبل راجع بنده باینکه از طرف اداره اوزان نسبت بکسانی که با اداره اوزان جنس تحویل میدهند میشود خاطر آقایان نمایندگان را مطلع نمودم و فعلا این ناهنجاری را که آقایان در طهران ملاحظه میفرمایند این همان گندمهای پاکتی است که با آن شدت از مردم تحویل میگیرند.
معلوم میشود (صورتی دد زیر دارد آنچه در بالاستی) و حالام موقع تحویل گرفتن جنس است چه جنس دیوانی چه جنس خریهاری - میخواستم خاطر محترم آقایان نمایندگان را تذکر بدهم و استعصا بکنم تذکره بدولت داده شود باین نانی که بر دم میدهند.
آقا سید یعقوب - اگر دولت فعلی نبود این نان هم امروز نبود.
عراقی - همان جنس را که مردم عراق تحویل میدهند همانقدر جنس که از آنها میگیرند با آنها قبض بدهند و این چیزی را که بنده عرض میکنم و آقای آقا سید یعقوب عصبانی میشوند مربوط بدولت نیست هر اداره یک تزیینی دارد دولت عبارت از هیئت وزراء است و هیئت وزراء نمیتواند در سر تمام کار خودشان حاضر باشند و پولوی قیام بایستند جنس تحویل بگیرند.
نظر ما بدولت نیست نظر باشناس

است که جنس را تحویل بگیرند هر انبار که یکسال ارزش میگذرد تقریبا دوست و پنجاه خروار بسید خروار تفاوت انبار پیدا میکند.
ما می گوئیم این تفاوت را از رعیت بدیست نگیرند و اگر صدم جنس میگیرند صدم قبض بدهند نه اینکه صدم جنس بگیرند و چهل و پنج من قبض بدهند. یک قسدهری ملاحظه رعیت بدیست را بکنند.
نایب رئیس - آقای شوشتری (اجازه)
آقا سید محمد علی شوشتری - آقایان از انصافی بلاه مملکت صحبت میکنند در صورتی که بنده راجع یک قضایای مرکزی میگویم عرایض بکنم.
جنوب شهر - جنوب طهران که حقیقتا هوارض بلدی از آن قسمت داده میشود و هر گونه مالیات بسکنه جنوب شهر تحویل میشود.
در جنوب شهر مردم رنجبر زحمت کش و مطیع متقاد از استفاده نظافت و حفظ الصحه و خط و اکون و تراموای بکلی مجهور هستند.
آقای دست غیب یک عسولای اوزاروت فوائد عامه کردند و سه چهار مرتبه هم تذکر دادند در مجلس.
آقای وزیر موالد عامه حاضر نشدند که به بیینی با اینکه بر طبق ماده اول امتیاز کبابی تراموای ملزم است در جنوب شهر خط و اکون بکشند که اگر خط و اکون در جنوب شهر کشیده نشود قسمت جنوبی بکلی معور میشود.
چون مردم جنوب شهر خانه ها شان دوست تومان سه تومان و چهار صد تومان است قدرت ندارند بیایند در شمال شهر در این عسارات چند مرتبه و این آبارنمان ها و این خیابان های وسیع که اشرف همه گونه از آن استفاده میکنند مسکن کنند.
بنده میخواستم از مجلس شورای ملی تقاضا کنم تذکر داده شود آقای وزیر فوائد عامه حاضر شود و علت و فلسفه اینرا که یک شرط از کتورات کمیانی تراموای در طهران عمل می شود یک قسمت از سکه شهر از آن بی بهره انده بیان کنند چه چیز است.
قسمت اطلاعاتی دارم عرض میکنم وزارت فوائد عامه در این مدت همیشه در نظر داشته است این را را دائر کند و البته آقایان در نظر دارند که بکمر بکنند هم این راه کشیده شده ولی بعد جمع کرده اند برای اینکه خود را کین آنجا در زحمت بودند و کوچها تانک بوده است.
وزارت فوائد عامه با بلدی مذاکره

کرده و بنا شده باینکه یک اقداماتی بکنند و از طرف وزارت قوه قضاة هم اقدام شده و انشاءالله نتیجه مطلوبه مستحسنه حاصل خواهد شد.

نایب رئیس - آقای دامغانی سؤالی داشتید بفرمائید.

دامغانی - چندی قبل اعلانی از وزارت معارف دیده شد که شاگردهای مدارس از ازغش کلاس بیلا برای امتحان میخواهند حاضر شوند قبل از دادن امتحان باید نمره نری برای معارف امتحان بکنند و بعد از آن در درازای آن قرار بدهند.

رئیس - این تقاضا را شنیدم صدق و کذب را نمیدانم.

قرار داده اند هر کس که امتحان سرآمد اگر قابل تصدیق بود و خواستند تصدیق باینکه آن یک تومان جزو معارف امتحان حساب میشود و هر کس خوب نماند.

بنامقران بادیس میدهند. این چون برخلاف سابق بود خواستم از آقای کفیل معارف سؤال کنم که گویا سابق اینطور بوده که بعد از امتحان هر کس که تقاضای تصدیق میکرد یک تومان از او میگرفتند برای معارف امتحان سابق. گویا اینطور بوده و از نظر نظریات برای معارف و از نظر اهمیت معارف هم گمان میکنم آن شکل بهتر بود برای اینکه بچهها امتحان میدادند و آنوقت هر کس ضاعتی داشت و مقضی بود میرفت یک تومان را برای معارف امتحان قراهم میکرد و میداد تصدیق نامه اش را میگرفت و یک مدتی هم وقت داشت که این پول را قراهم کند و هر وقت قراهم میکرد میرفت تصدیق نامه امیر میگرفت.

ولی اینطور قبل از امتحان پول گرفتن تقریباً یک تکلیف است برای شاگردان اتفاقاً اغلب شاگردهای ازغش کلاس بیلاای طهران هم اطفال فقرا هستند زیرا اطفال اغنیاء که در طهران تحصیل میکنند و حتی الامکان بارویا میروند این که خواستم از آقای کفیل وزارت معارف سؤال کنم که اگر مطابق سابقه عمل میکردند هم یک تسهیلاتی بود و هم یک اهمیت برای معارف بود.

عرض دیگر که داشتم این است که مجلس ترجمه کتب را قابل توجه دانست و بکمسیون بودجه ارجاع کرده.

اهمیت ترجمه کتب هم بطوری بدیهی است که محتاج بیان بنده نیست البته ترتیبات هر مملکتی بسته به معارف است و معارف هم در درجه اول متوسطه کافی نیست درجات عالی و متوسطه لازم دارد و قراهم شدن آن هم ممکن نیست مگر کتب علمی که کتب علمی از زبانهای خارجی نقل بشود بزبان فارسی

که همه در دست رس داشته باشند تقریباً هفت سال هشت سال بر عمر شاگردان مدارس افزوده میشود زیرا بااستی مدنی مشغول تحصیل زبان خارجی باشند.

آنوقت از تعلیمات عالی استفاده کنند.

دامغانی - چندی قبل از وزارت معارف دیده شد که شاگردهای مدارس از ازغش کلاس بیلا برای امتحان میخواهند حاضر شوند قبل از دادن امتحان باید نمره نری برای معارف امتحان بکنند و بعد از آن در درازای آن قرار بدهند.

رئیس - این تقاضا را شنیدم صدق و کذب را نمیدانم.

قرار داده اند هر کس که امتحان سرآمد اگر قابل تصدیق بود و خواستند تصدیق باینکه آن یک تومان جزو معارف امتحان حساب میشود و هر کس خوب نماند.

بنامقران بادیس میدهند. این چون برخلاف سابق بود خواستم از آقای کفیل معارف سؤال کنم که گویا سابق اینطور بوده که بعد از امتحان هر کس که تقاضای تصدیق میکرد یک تومان از او میگرفتند برای معارف امتحان سابق. گویا اینطور بوده و از نظر نظریات برای معارف هم گمان میکنم آن شکل بهتر بود برای اینکه بچهها امتحان میدادند و آنوقت هر کس ضاعتی داشت و مقضی بود میرفت یک تومان را برای معارف امتحان قراهم میکرد و میداد تصدیق نامه اش را میگرفت و یک مدتی هم وقت داشت که این پول را قراهم کند و هر وقت قراهم میکرد میرفت تصدیق نامه امیر میگرفت.

ولی اینطور قبل از امتحان پول گرفتن تقریباً یک تکلیف است برای شاگردان اتفاقاً اغلب شاگردهای ازغش کلاس بیلاای طهران هم اطفال فقرا هستند زیرا اطفال اغنیاء که در طهران تحصیل میکنند و حتی الامکان بارویا میروند این که خواستم از آقای کفیل وزارت معارف سؤال کنم که اگر مطابق سابقه عمل میکردند هم یک تسهیلاتی بود و هم یک اهمیت برای معارف بود.

عرض دیگر که داشتم این است که مجلس ترجمه کتب را قابل توجه دانست و بکمسیون بودجه ارجاع کرده.

اهمیت ترجمه کتب هم بطوری بدیهی است که محتاج بیان بنده نیست البته ترتیبات هر مملکتی بسته به معارف است و معارف هم در درجه اول متوسطه کافی نیست درجات عالی و متوسطه لازم دارد و قراهم شدن آن هم ممکن نیست مگر کتب علمی که کتب علمی از زبانهای خارجی نقل بشود بزبان فارسی

تجلیاتی است که بنده در نظر گرفتیم و امیدوارم یک اقداماتی بکنم که اینها را بولی بکنم.

بنی مدارس ابتدائی باید مجانی باشد.

البته چون دولت بولی که میگیرد برای معارف عمومی و معارف عامه است باید تعلیمات ابتدائی مجانی باشد ولی تعلیمات متوسطه و عالی مجانی بودنش در هیچ جای دنیا سابقه ندارد.

اینست که دولت باید در این باب یک نظری داشته باشد البته شورای عالی معارف و هیئت وزراء تصمیمی در این باب خواهند گرفت و بمجلس مقدس هم تقدیم میکنند و در باب سؤال آقای دامغانی هم عرض می کنم که این موضوع علاوه بر اینکه سابقه داشته است شورای عالی معارف تصمیم گرفته که این پول را قبلاً بگیرند و از اطفال فقرا هم این پول را نمانی گیرند اما در موضوع غیبت کثرت مدارس است و استیوایست در فقر است و خیلی خوب اداره شده است و بنده که اطلاع دارم با آن جدیدی که آقای امیراهلر فرمودند و همینطور شخصی که از طرف دکتر منار گذاشته شده خیلی خوب اداره شده و دکتر منار هم اخیراً تکرانی کرده بودند و همین چند روزه شاید حرکت کنند و بیایند و مشغول کار بشوند.

یک قسمت سؤال دیگر فرمودند در معارف ترجمه کتب آنهم در بودجه اعمال بنده بمجلس پیش بینی کرده ام یک مبلغ متناهی هم هست انشاءالله وقتی تصویب شد البته دار ترجمه ایجاد شروع بترجمه کتب مفیده می کنم و همانطور هم که فرمودند خیلی برای مملکت مفید است.

بعضی از نمایندگان - دستور نایب رئیس - چندی قبل از این است آقایان کرده اند مدتی گذشته تقاضا کرده اند امروز مطرح شود.

کازرونی - البته کفیل معارف وزارت معارف تصدیق خواهند فرمود در مدارس ابتدائی دولتی متعصباً باینست اطفال مردمان بی بضاعت فقیر مجاناً پذیرفته شوند چند نفر از معلمین مدارس چندین فقره خطوطی بمجلس نوشته اند بنده هم در کمسیون همایش عضویت داشتم می دیدم اظهار کرده بودند اطفالی که بعنوان اطفال فقرا مجاناً پذیرفته می شوند اینها غالباً فقیر نیستند بلکه فنی هستند از وزارت معارف سؤال شد جوابی که دادند تصدیق کبیسار با بود که هستند خودشان قرار داده بودند تا این بیچاره ها مجبور شدند برداشتن اسامی اطفال و پدرانشان را نوشتند که اطفالی که مجانی پذیرفته شده اند اینها هستند و معلوم بود پسران السلطنه و فلان الدوله و بالاخره اشخاص که قطع نظر از القاب محل تردید نبود

که مردمان پولدار و مشغول صاحب تروی هستند و بنده در آنجا که بودم دستور داده شد از طرف کمسیون همایش که بین هر بینه آنها در مجلس قرائت شود و شد.

حالا خواستم از آقای کفیل سؤال کنم که آیا تصدیق کبیسار باغنی را فقیر راغنی می کند؟

یعنی یک حالت معوله درش هست که فقیر راغنی و غنی را فقیر میکنند؟

پس با باید گفت که این اسامی را که نوشته بودند و بوزارت خانه فرستاده شد دروغ است یا تصدیق کبیسار یا استدعا می کنی یک جوابی بفرماید که من آنرا یک اصلی برای خودم قرار دهم وزارت معارف - این سؤال آقای کازرونی در کلیات بود بطور خصوصی سؤالی که فرمودند راجع باین است که دولت تصدیق کبیسار باغنی خودش اهمیت می دهد یا نه؟ البته در ذات نهایت اطمینان و یک کبیسار باغنی خودش دارد و تصدیق آنها اهمیت می دهد.

کازرونی - بنده نمی دانم اینست که فرمودند کلیات بود یعنی چه؟ و مقصود چه چیز است بنده عرض کردم اطفال کسانی که داشته شده خیلی خوب اداره شده و دکتر منار هم اخیراً تکرانی کرده بودند و همین چند روزه شاید حرکت کنند و بیایند و مشغول کار بشوند.

یک قسمت سؤال دیگر فرمودند در معارف ترجمه کتب آنهم در بودجه اعمال بنده بمجلس پیش بینی کرده ام یک مبلغ متناهی هم هست انشاءالله وقتی تصویب شد البته دار ترجمه ایجاد شروع بترجمه کتب مفیده می کنم و همانطور هم که فرمودند خیلی برای مملکت مفید است.

بعضی از نمایندگان - دستور نایب رئیس - چندی قبل از این است آقایان کرده اند مدتی گذشته تقاضا کرده اند امروز مطرح شود.

کازرونی - البته کفیل معارف وزارت معارف تصدیق خواهند فرمود در مدارس ابتدائی دولتی متعصباً باینست اطفال مردمان بی بضاعت فقیر مجاناً پذیرفته شوند چند نفر از معلمین مدارس چندین فقره خطوطی بمجلس نوشته اند بنده هم در کمسیون همایش عضویت داشتم می دیدم اظهار کرده بودند اطفالی که بعنوان اطفال فقرا مجاناً پذیرفته می شوند اینها غالباً فقیر نیستند بلکه فنی هستند از وزارت معارف سؤال شد جوابی که دادند تصدیق کبیسار با بود که هستند خودشان قرار داده بودند تا این بیچاره ها مجبور شدند برداشتن اسامی اطفال و پدرانشان را نوشتند که اطفالی که مجانی پذیرفته شده اند اینها هستند و معلوم بود پسران السلطنه و فلان الدوله و بالاخره اشخاص که قطع نظر از القاب محل تردید نبود

قدرت وزارت جنگ سرتا سر آذربایجان امنیت پیدا کرده است.

فلا چیزی که بیشتر از همه امور احتیاج دارند معارف است و بالفصوح آذربایجان اهمیت معارفش از سایر ایالات و ولایات در این قسمت که فارسی را بفرمانده و بشویند بیشتر است.

ببین نظر درسته گذشته در همین مجلس از آقای کفیل وزارت معارف سؤال شده با اهمیت که آقای رئیس الوزرا به معارف آذربایجان می دهند.

خاصه بتعلیمات ابتدائی آذربایجان و تصمیم هم گرفته اند که نسبت به معارف آذربایجان در بودجه جاریه یک میلیی اختصاص بدهند آیا بودجه معارف آنجا چیزی اضافه شده است یا نه؟ آنوقت آقای کفیل معارف فرمودند اعمال چند ماهی بیشتر باخرسال نمانده است.

ولی از اول فروردین سه آتیه ما برای معارف ابتدائی آذربایجان تقریباً بیسی هزار تومان بیشتر از بودجه سنوات سابقه معین میکنم معارف آنجا را هم خیلی اهمیت می دهم و متأسفانه تاکنون به معین حال نمانده است و باینکه از حیث اهمیت وطنی ملکیتی سیاسی و از هر جهت معارف آذربایجان اهمیت دارد حتی بنده احساس کردم که وگلاهی غیر آذربایجان هم معارف آذربایجان اهمیت می دهند و میل دارم معارف ابتدائی آنجا خیلی توسعه پیدا کنند ولی تاکنون نشده است.

کفیل وزارت معارف - این سؤال راجع بنظر از آقایان کردند یکی آقای رحمتا یکی هم آقای حاج حید عبدالملکی دیا.

اینست که جواب هر سه نفر نمانده معترف را عرض میکنم و همانطور که آقای طهرانی اشاره فرمودند بنده سابقاً عرض کردم که در بودجه ما بیش بینی می کنم و اعمال هم در وزارت یک ساله معارف که در روز جشن معارف قرائت کردم این قسمت را ذکر کرده بودم حالاً هم عرض میکنم که در بودجه معارف متناهی برای تأسیس مدارس ابتدائی آذربایجان پیش بینی شده.

و آتی بودجه هنوز نگذشته است و با مایه مشغول مذاکره هستیم هنوز نتوانستیم موافقت نظر اساسی پیدا کنیم و همینقدر که موافقت پیدا شد بودجه هم بجزایان خواهد افتاد.

و مخصوصاً پارسل هم بنده عرض کردم که دولت از چندین جهت باین قسمت اهمیت می دهد.

و قبلاً دارم که اعمال بودجه معارف آذربایجان زیاد تر از پارسل خواهد شد.

کفیل وزارت داخله - آقایان

نمایندگان معترف میدانند که بواسطه تسخ القاب قانون سجل احوال مخصوصاً لازم است زودتر بگذرد.

و اگر چه تمین دستور جلسه با خود مجلس است ولی بنده میخواستم خاطر محترم آقایان نمایندگان را بلزوم گذشتن این قانون متوجه کنم و چیزی هم از آن بانی نمانده است.

بعضی از نمایندگان - وارد دستور شویم.

نایب رئیس - آقای آقایان معارف در هفدهم صحت سال گذشته راجع بحفریات شوش از وزارت معارف سئوالی کرده اند (خطاب بکفیل معارف)

حالا برای جواب حاضر هستند؟

کفیل وزارت معارف - بلی سئوال بفرمائید.

نایب رئیس - ایشان هم سئوال میکنند بعد وارد دستور می شویم.

آقایان معارف - یک موافقی بود که در ایران آب شور و زمین غیر مزروع قیبت نداشت در همان زمانها یک ذخائر ملی و اختیارات تاریخی ما از طرف دولتهای استبدادی آنوقت بفرانسویها امتیاز داده شده است و آن حفریات شوش بوده است.

واز آنسال هم آنچه در کتب و جرائد دیده و شنیده ام اینکه چیزهای خیلی قیمتی از حفریات شوش برده اند.

حالا چقدر عاید دولت ایران شده بنده هر چه تحقیق کردم چیزی نمانده و چیزی که بنده را رادار باین سؤال کرده است اینست که در آن امتیاز نامه بدوات ایران حتی داده شده است در حفریاتی که می کنند یک تقشباتی بعمل بیایند.

بنده خواستم سؤال کنم مفتشی که برای اینکار از طرف دولت ایران معین شده کیست.

و بچه وسیله طریقی در چیزهایی که از حفریاتی پیدا میشود تقشبات میکنند اگر چه آن امتیاز نامه را بنده ندیده ام ولی شنیده ام که در آن امتیاز نامه هست که آنچه طلا و نقره خارج میشود باید حال دولت ایران باشد.

شاید هم چنین چیزی نباشد و بقرار راپرتی که نماینده معارف خوزستان در سال گذشته داده است یک مقدار طلا (یک چیزی است اومی نویسد فرمولی نقره چهار هزار سال نمی ماند و شاید پلاتین باشد).

استخراج کرده و از سرحد خارج کرده اند و از طرف دولت تقشبات در آنها نشده.

آیا همچو ماده و امتیاز نامه هست یا نه اگر هست چرا جلوگیری از خروج آنها

نکرده اند در مرتبه سوم سؤال بنده این است:

از قراریکه شنیده ام خود فرانسویها که همیشه طرفدار عدالت و انصاف هستند حاضر شده اند در مواد آن امتیاز نامه که شاید بر ضرورت دولت ایران تمام شده (و آنوقت هامتوجه نبوده اند مثل این که حالاً ما میخواهیم متوجه شویم)

یک نظری بکنند و یک دو سه مفصل و مشروحه راجع باین موضوع در وزارت خواصه است.

آیا این موضوع از طرف وزارت معارف هم تعقیب شده که در آن تجدید نظر میکنند که بیشتر منافع دولت ایران را حفظ کنند.

و این ذخائر ملی و اختیارات تاریخی ایران را برای خود ایران یعنی برای موزه که امیدوارم که وقتی در ایران تأسیس شود حفظ کرده اند یا خیر.

کفیل وزارت معارف - این سئوال نماینده محترم خیلی سئوال مهمی بود.

راجع بشوش البته اقداماتی که تا بحال شده است دراز دو امتیازی است که داده شده است.

ولی در همین حال عرض میکنم که از این دو امتیاز دولت های سابق نتوانسته اند استفاده کنند.

یعنی معلوم هم بوده است که این امتیاز یک صورت حقانیت و عهده الی درش منظور شده است.

اینست که در قسمت شوش آقایان می دانند که در خوزستان واقع بود و در این مدت هم دولت هم در آنجا یک نفوذ کاملی نداشته است.

بنا بر این یک تقشبات خوبی بعمل نیامده است ولی اخیراً دولت فرانسه یک مذاکراتی شده است و نماینده صنایع مستظرفه فرانسه هم در طهران بوده و یک جلساتی هم با حضور آقای وزیر مالیه و بنده شده است که اغلب آقایان نمایندگان هم مطلع هستند و امیدوار هستم بکمسیسی که با عدالت و حقانیت توأم باشد بزودی گرفته شود.

و همانطوری که فرمودند بلعکس انشاءالله برای موزه که در نظر هست بتوانیم یک اسباب ها و عتیقه جاتی تهیه کنیم.

نایب رئیس - دستور امروز اول بقیه شور دوم لایحه سجل احوال.

دوم بقیه شور لایحه اوزان و مقادیر سوم غیر کمسیون بودجه و خارجه راجع به مستخدمین بازرگانی پیشنهاد آقای فرمند و چون تشریف ندارند توضیح بدهم که مقصود فوریت اول است یا فوریت ثانوی.

بعد باید رای گرفت.

رضوی - مقصود فوریت یک شوری است.

نایب رئیس - لوایح کثرتانی بیش از یک شوری ندارد.

بالفعل خبر کمسیون داخله راجع به بقیه سجل احوال مطرح است (شرح ذیل قرائت شد)

کمسیون داخله دو غیر کمسیون سابق راجع ب مواد ۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ قانون سجل احوال مراجعه و مذاکره نموده مواد مورد براه به مختصر اصلاحی بطریق ذیل تنظیم و برای تصویب تقدیم می دارد.

ماده ۹ از تاریخ تأسیس شمب سجل احوال در هر محل پدر در قیاب او مادر در مورد ولد و شوهر در مورد ازدواج و طلاق باید منتهی در ظرف دروز از تاریخ وقوع تولد یا ازدواج و یا طلاق و یا شهادت دوز که هویت آنها از طرف تنظیمه یا حکومت یا گدشدهای محل تصدیق شده باشد به امور سجل احوال اطلاع دهند.

نایب رئیس - برای استحضار آقایان عرض می کنم.

ماده سابق که ارجاع بکمسیون شده بود بجزیه بماده شده است.

یک ماده نه (همین که معارضت) و یکی ماده ده که بعد نوشته شد. حالاً ماده معارضت است.

آقای دکتر آقایان (اجازه)

دکتر آقایان - بنده از مخبر محترم سؤال کردم که در ماده ۹ ذکر شده است که شهود بایستی ورثه هویت خودشان را تأیید مامور سجل احوال کنند.

این ورثه هویت ضبط می شود یا نه؟ جواب دارند که ضبط آن بیش بینی نشده.

آقایان در نظر دارند در جلسه آخری که راجع باین ماده مذاکرات شده صحبت در تأمین صحبت عملیات مامور سجل احوال بود که باید یک ترتیباتی پیش بیاید که مامور سجل احوال در آتیه نتوانند اسباب زحمت و خسارت کسی را قراهم آدرند.

این ماده باین ترتیبی که نوشته شده است این مقصود را تأمین نمیکند.

وقتی قرار شد مادر یک ماده قید کنیم که ثبت نشود کرد مگر با قلمه دوزنر شهودی که هویت آن دوزنر تصدیق شده باشد.

متأیر این اصل این میشود که اگر ثبت شد معلوم میشود شهودی اقامه شده است و شهود دارای تصدیق بوده اند وقتی که نسبت به صحت ثبتی در آتیه گفتگوئی پیدا شود چون بر طبق آن اصل ثابت هویت آنها تصدیق شده است.

این يك اصلاح عبارتی است چون در اینجا نوشته شده است سواي حقوق انحصاری و این عبارت (حقوق انحصاری) در قانون نیست.

این است که بنده پیش نهاد کردم و تحصیل جواز سواي تأدیبه اضافه قیمت مذکور در ماده سه نوشته شود.

مخبر - اشکالی ندارد قبول می کنم.

حائز یزاده - مواد هفت و هشت هم پس باید اصلاح شود

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی فرات می شود

(بشر ذیل فرات شد)

بنده پیشنهاد می کنم به آخر ماده دوم اضافه شود و حمل و نقل قند و شکر و چای در تحت نظر مؤسسه مزبور خواهد بود.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - در لایحه دولت این قید بود که حمل و نقل قند و شکر در تحت نظر دولت باشد

یعنی متنوع باشد که دیگران متصدی حمل و نقل قند و چای و شکر نباشد در زیرت اولی کمیسیون قوانین ماله هیطور ذکر شده بود که حمل و نقل منحصر به دولت است

بعضی از آقایان اعتراضاتی کردند که این کلرایه مشکلاتی تولید خواهد کرد از این جهت اعضاء کمیسیون قوانین ماله اعتراضات را وارد دانستند

بنده نمی دانم چطور این اعتراضات وارد است ؟

زیرا حمل و نقل اگر منحصر به دولت باشد لااقل باید در تحت نظر دولت باشد والا این قانون در موقع حل چهار مشکلات اینست که بنده عقیده دارم حمل و نقل باید در تحت نظر دولت باشد و وقتی که می خواهند يك قندی را از جایی بجایی ببرند باید از دولت اجازه بگیرند

والا عدل قانچا زیاد می شود.

دولت باید از بیابان قانچا را بگیرد نه اینکه در دکان یا خانه تاجر بریزند و اگر بخواهند قانچا بگیرند در عرض راه موطر خواهد بود نه در جای دیگر از این جهت عقیده من اینست که اگر ما بخواهیم باجزای این قانون موفق شویم باید لااقل این کار در تحت نظر دولت باشد و دولت جواز خرید و فروش و حمل بنده والا اجرای این قانون چهار مشکلات خواهد شد

رئیس - رأی می گیریم آقایان که پیش نهاد آقای یاسائی را قابل توجه میدانند (بعضی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیش نهاد آقای مصدق السلطنه فرات می شود.

(این طور خوانده شد)

بنده پیشنهاد می نمایم که در آخر ماده دوم اضافه شود.

و هر گاه وزارت ماله در صدور اجازه خورداری نمود تقاضا کننده می تواند از تاریخ تقدیم تقاضا سه روز در درم کز و پنج روز در ولایات عایداتی که مطابق ماده سیم باید بدولت برسد در زیرت کمیسیون موله انحصار به حمل خود وارد و حمل و نقل و صادر نماید.

رئیس - آقای مصدق السلطنه (اجازه)

مصدق السلطنه - بنده اولاً لازم می دانم نسبت به این لایحه که ادوار گذشته نظیر نداشته است و بدولت تبریک بگویم زیرا این اولین لایحه است که مجلس آمده و حقیقتاً بهترین آمال مردم در این لایحه است که از عایدات آن براه آهنی در مملکت آباد شود.

ولی بنده در عین این که موافق هستم این عایدات بدولت برسد عقیده ام این است ضروری هم متوجه مردم نشود و بنده تصور می کنم در این موضوع هم اختلافی بین دولت و نمایندگان نیست زیرا امروز آقایان که در اینجا تشریف دارند خود آقای رئیس الوزرا هستند که سمت نمایندگی ملت را دارند سایر وزراء مکرر دست نمایندگی داشته اند و معلوم نیست نظریاتشان از انبساط به مردم کمتر باشد و همه می خواهیم برای ترقی و تعالی مملکت و برای مردم کار کنیم در این ماده که نوشته شده هر کس هر کس اجازه بخواهد بدون مجوز دولت خواهد شد این صریح ولی کلیه قوانینی که يك سان کمیسیون و عقابى نداشته باشد بنده آنها را چندان مورد اثر نمی دانم.

فرض بفرمائید يك قانونی وضع شد برای جلوگیری از تریاک چون در قانون يك عقابى نبود همین قدر نوشته شد بعد از فلان مدت کشیدن تریاک متنوع است مؤثر نشد البته اگر مجازاتی برای آن ملحوظ می شد خیلی بهتر بود.

اصول تجارت هم همین طور است آقایان که تجارت کرده اند میدانند که يك تاجری در يك موقعی که موفق می شود پنج دقیقه می کند و برعکس يك تاجری که پنج دقیقه در تریاک فروشد ضروری برد مثلا ملاحظه بفرمائید

ممکن است يك وقتی قند در ایران بشود يك من چهار تومان آن تاجری که زود تر وارد می کند از يك من چهار تومان استفاده می کند

ولی آنکه بعد از بیست و چهار ساعت قندش را وارد می کند ضرر میکند بنابراین باید در تجارت باصل آزادی معتقد شد.

در ماده اول بنده کاملاً موافق هستم که دولت بایستی قند و شکر و چای را انحصار بخود بدهد

ولی در ماده دوم که دولت معتقد با اجازه شده است باید ترتیب اجازه را طوری بدهد که اشخاصی که بخواهند تجارت قند بکنند متضرر نشوند

بنا بر این بنده تصور می کنم صدور اجازه با این ترتیبی که فعلاً در ادارات ما در جریان است برای مردم کار آسان و سهلی نباشد

مثلاً يك کسی کاغذی بوزارت ماله می نویسد بعد از چهل روز باو جواب میدهند ولی يك شخص دیگری که کاغذ می نویسد او خیلی زود جواب میدهد آن وقت به آن کسی که خیلی زود جواب داده اند قوری قند را وارد میکند و فایده می برد

ولی اگر بنده که تاجر قند هستم می خواهم با سرمایه شخصی خودم با کامل شرافت زندگی کنم اگر وزارت ماله نخواست جواز بدهد یا خیلی دیر داد آن وقت چه باید بکنم؟ جز اینکه باید مضمحل بشوم چیز دیگری نیست.

نظریات دولت البته مقدس است ولی همان طوری که مقصودشان ایجاد راه آهن است و میخواهند این کار را عملی کنند همین طور هم بایستی مراعات حال مردم را بکنند و طوری نکنند که آنها متضرر شوند و يك طوری بکنند که تصور نشود این قانون قابل تمییز است.

خود بنده می بینم يك کسی بوزارت ماله کاغذ نوشته است قوری باو جواب میدهند و يك کسی دیگر کاغذ می نویسد سه ماه طول می کشد تا به او جواب بنویسد در این صورت تکلیف آن تاجری که سه ماه باو جواب نمیدهند چیست؟

لذا بنده تصور می کنم بهتر این است که اگر يك کسی اجازه خواست و در مدت معینی باو اجازه داده نشد آن شخص حق داشته باشد که آن عایدات يك من دوقران و شش قران را در نزدیک ترین صندوق محل خود بگذارد و آن وقت قند خودش را وارد کند.

وقتی که وارد کرد دولت حقوق خودش را بگیرد و با این ترتیب تمییز دیگر از بین خواهد رفت این عقیده بنده بود دیگر بستم بنظر آقایان است.

مخبر - این پیشنهاد همین همان پیش نهادی است که آقای مصدق السلطنه در شور اول

فرمودند و طبق و توزیع هم شده در کمیسیون هم مذاکره شده است و اعضاء کمیسیون همه همین نظری را که آقای مصدق السلطنه دارند داشته اند و البته در دادن اجازه نباید هیچ گونه تبعیضی بعمل آید

ولی تصور می کنم این پیشنهادی که فرمودند چلو گیری از آن منظوری که دارند نکنند

برای اینکه در پیشنهاد می نویسند هر گاه وزارت ماله در صدور اجازه خورداری نمود تقاضا کننده میتواند از تاریخ تقدیم تقاضا سه روز در مرکز و پنج روز در ولایات عایداتی که مطابق ماده سه باید بدولت برسد در زیرت کمیسیون موله انحصار به حمل خود وارد و حمل و نقل و صادر نماید.

بنا بر این بنده تصور می کنم صدور اجازه با این ترتیبی که فعلاً در ادارات ما در جریان است برای مردم کار آسان و سهلی نباشد

مثلاً يك کسی کاغذی بوزارت ماله می نویسد بعد از چهل روز باو جواب میدهند ولی يك شخص دیگری که کاغذ می نویسد او خیلی زود جواب میدهد آن وقت به آن کسی که خیلی زود جواب داده اند قوری قند را وارد میکند و فایده می برد

ولی اگر بنده که تاجر قند هستم می خواهم با سرمایه شخصی خودم با کامل شرافت زندگی کنم اگر وزارت ماله نخواست جواز بدهد یا خیلی دیر داد آن وقت چه باید بکنم؟ جز اینکه باید مضمحل بشوم چیز دیگری نیست.

نظریات دولت البته مقدس است ولی همان طوری که مقصودشان ایجاد راه آهن است و میخواهند این کار را عملی کنند همین طور هم بایستی مراعات حال مردم را بکنند و طوری نکنند که آنها متضرر شوند و يك طوری بکنند که تصور نشود این قانون قابل تمییز است.

خود بنده می بینم يك کسی بوزارت ماله کاغذ نوشته است قوری باو جواب میدهند و يك کسی دیگر کاغذ می نویسد سه ماه طول می کشد تا به او جواب بنویسد در این صورت تکلیف آن تاجری که سه ماه باو جواب نمیدهند چیست؟

لذا بنده تصور می کنم بهتر این است که اگر يك کسی اجازه خواست و در مدت معینی باو اجازه داده نشد آن شخص حق داشته باشد که آن عایدات يك من دوقران و شش قران را در نزدیک ترین صندوق محل خود بگذارد و آن وقت قند خودش را وارد کند.

وقتی که وارد کرد دولت حقوق خودش را بگیرد و با این ترتیب تمییز دیگر از بین خواهد رفت این عقیده بنده بود دیگر بستم بنظر آقایان است.

مخبر - این پیشنهاد همین همان پیش نهادی است که آقای مصدق السلطنه در شور اول

مصدق السلطنه - عرض دارم. **رئیس** - بفرمائید.

مصدق السلطنه - این دهم دوم است که این پیشنهاد شده.

رئیس - ماده را باید طوری بنویسید که بتوانیم رأی قطعی بگیریم.

مصدق السلطنه - این يك قسمت از ماده است. بسیار خوب می نویسم.

رئیس - پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب فرات می شود.

(شرح ذیل فرات شد)

بصره ذیل را در ماده دوم پیش نهاد می کنم چنانچه مأمورین جواز در اجازه تمییز نمودند محکوم بانفصال ابدی و از يك ماه تا شش ماه حبس خواهد شد.

آقا سید یعقوب - اگر چه بنده می دانم که آقای مخبر جواب خواهند داد که این مسئله در نظامنامه قید خواهد شد ولی چون نظیر همین مسئله در قانون دخانیات هم قید شده در این جا هم باید قید شود بنده اهمیت میدهم که مجازات متخلف قانون در قانون ذکر شود

بنده نمی خواهم بگویم که مأمورین ماله بدند ولی همان طوری که آقای مصدق السلطنه فرمودند اگر آنها در دادن جواز تمییز قائل شدند آن وقت تکلیف مجازات آنها چیست؟

بنده عقیده دارم که مجازات او در قانون ذکر شود بهتر از این است که در نظامنامه قید شود.

از این جهت بنده پیش نهاد کردم که اگر مأموری تمییز کرد و از مقررات قانون تخلف کرد آن مأمور محکوم بانفصال ابدی و از يك ماه تا شش ماه حبس خواهد بود در شور اول هم پیشنهاد کرده بودم.

مخبر - اولاً در باب مجازات شرحی در نظامنامه نوشته ایم تا با قوتی که مجلس پیشنهاد آقای مصدق السلطنه رأی داده دیگر مقصود شما بعمل آمده است.

آقا سید یعقوب - بنده پیش نهاد را مسترد میدارم.

رئیس - (خطاب به مصدق السلطنه) ماده را بنویسید بدهید بیاورند تا رأی بگیریم پیشنهاد آقای طهرانی هم می آید تا وقتی که رأی قطعی بگیریم چون راجع به تمییز است ماده سوم فرات می شود.

(شرح آتی فرات شد)

۳۸ - مؤسسه (انحصار دولتی قند و چای) در موقع فروش بر قیمت ورودیه هر يك من (۶۴۰) متقال قند و شکر مواد قندی دوقران و هر يك من ۶۴۰ متقال چای شش قران اضافه خواهد نمود.

بصره - مقصود از قیمت ورودیه جمع کل مخارج از قبیل قیمت خرید و مخارج حمل - حقوق گمرکی و غیره

است با استثنای مصارف اداری که در ماده ۱۱ ذکر شده.

مخبر - این مواد قندی تبدیل میشود به آنچه که از قند و شکر ساخته میشود.

رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبد الوهاب - عرض بنده راجع به پیشنهاد آقای مصدق السلطنه بود.

رئیس - ماده سوم مطرح است.

آقای دامغانی - آقای دامغانی (اجازه)

می کنم چنانچه مأمورین جواز در اجازه تمییز نمودند محکوم بانفصال ابدی و از يك ماه تا شش ماه حبس خواهد شد.

آقا سید یعقوب - اگر چه بنده می دانم که آقای مخبر جواب خواهند داد که این مسئله در نظامنامه قید خواهد شد ولی چون نظیر همین مسئله در قانون دخانیات هم قید شده در این جا هم باید قید شود بنده اهمیت میدهم که مجازات متخلف قانون در قانون ذکر شود

بنده نمی خواهم بگویم که مأمورین ماله بدند ولی همان طوری که آقای مصدق السلطنه فرمودند اگر آنها در دادن جواز تمییز قائل شدند آن وقت تکلیف مجازات آنها چیست؟

بنده عقیده دارم که مجازات او در قانون ذکر شود بهتر از این است که در نظامنامه قید شود.

از این جهت بنده پیش نهاد کردم که اگر مأموری تمییز کرد و از مقررات قانون تخلف کرد آن مأمور محکوم بانفصال ابدی و از يك ماه تا شش ماه حبس خواهد بود در شور اول هم پیشنهاد کرده بودم.

مخبر - اولاً در باب مجازات شرحی در نظامنامه نوشته ایم تا با قوتی که مجلس پیشنهاد آقای مصدق السلطنه رأی داده دیگر مقصود شما بعمل آمده است.

آقا سید یعقوب - بنده پیش نهاد را مسترد میدارم.

رئیس - (خطاب به مصدق السلطنه) ماده را بنویسید بدهید بیاورند تا رأی بگیریم پیشنهاد آقای طهرانی هم می آید تا وقتی که رأی قطعی بگیریم چون راجع به تمییز است ماده سوم فرات می شود.

(شرح آتی فرات شد)

۳۸ - مؤسسه (انحصار دولتی قند و چای) در موقع فروش بر قیمت ورودیه هر يك من (۶۴۰) متقال قند و شکر مواد قندی دوقران و هر يك من ۶۴۰ متقال چای شش قران اضافه خواهد نمود.

بصره - مقصود از قیمت خرید و مخارج حمل - حقوق گمرکی و غیره

که قبلاً نمی توانیم متسک بشویم بيك قانون نیمه تمامی که شاید ممکن است از مجلس هم طوری بگریزیم بگذرد علاوه آن وزن سنگی هم که فرمودید با اینکه در اینجا نوشته ایم يك جزئی تفاوتی دارد که اگر مراجعه بفرمائید معلوم می شود.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - عرض ندارم.

رئیس - آقای محمدولی میرزا (اجازه)

محمدولی میرزا - موافقم

جمی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای زاهدی (باین مضمون خوانده شد)

اینجناب پیشنهاد می کنند که ماده سوم باین قسم تنظیم شود.

مؤسسه (انحصار دولتی قند و شکر چای) بر قیمت ورودیه هر يك كيلو (هزار گرام) قند و شکر و هر چه از قند و شکر ساخته شده يك قران و هر كيلو چای سه قران اضافه خواهد نمود.

رئیس - آقای زاهدی (اجازه)

زاهدی - توضیح آقای مخبر را قانع کرد پیش نهادم را مسترد میدارم (پیشنهاد کتر آقایان بشرح ذیل فرات شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۳ بر ترتیب ذیل نوشته شود.

ماده ۳ - مؤسسه انحصار دولتی قند و چای بر قیمت ورودیه هر يك من (۶۴۰) متقال قند و شکر مواد قندی دوقران و هر يك من چای ۶۴۰ قران بعنوان حقوق انحصاری محسوب و اخذ خواهد نمود

بصره مطابق پیشنهاد کمیسیون.

رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)

دکتر آقایان - از اول این لایحه تا آخر ما همه حقوق هستیم که قضیه تقریباً يك قضیه غیر انحصاری خواهد بود

ماده سه این لایحه مهم ترین مواد است و حکایت از حق می کند که دولت باید بگیرد در اینجا نوشته شده مؤسسه انحصار دولتی قند و چای در موقع فروش بر قیمت ورودیه هر يك من قند و شکر و مواد قندی دوقران و چای شش قران اضافه میکنند در صورتیکه اصلاحکننده است دولت هیچ وقت نفروشد و دیگری اجازه دهد که اینکار را بکنند

بنابراین فقط در موقع فروش در این جا بکلی زائد است ما وضع يك مالیاتی می کنیم و طوری باید نوشته شود که هم از این که دولت خودش بفروشد یا اجازه دهد که دیگری بفروشد حق داشته باشد که این دوقران و شش قران را اضافه کند.

مخبر - آقا این جا اشتباه کرده اند این قانون انحصار دولتی قند و چای است که مامی نویسیم

پس وقتی که مافانون انحصار قند و چای را می نویسیم باید تأسیس يك مؤسسه را هم پیش بینی کنیم در این صورت باید نوشته شود که در موقع فروش هر يك يكمن ننوچای دو قران و شش قران اضافه خواهد شد و در بصره هم تصریح کرده ایم که مقصود از قیمت چیست.

پس از آنکه قیمت اصلی کارخانه بامخارج گمرک و غیره معین شد آن وقت يك من دوقران بر قند و شش قران چای اضافه میکنند و فروش می رسانند.

جمی از نمایندگان - رأی بگیریم

رئیس - رأی می گیریم به این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیش نهاد آقای یاسائی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده سوم باین نحو اصلاح شود.

(مؤسسه انحصار دولتی قند و چای) در موقع فروش بر قیمت ورودیه هر يك سنك قند و شکر مواد قندی هفت صد و پنجاه دینار و هر يك سنك چای دوقران اضافه خواهد بود.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - همان طور که آقایان در نظر دارند اجرای قانون توحید اوزان و مقادیر چندان کار آسانی نیست و اینبند اجزای آن باید از ظرف دولت شروع شود و اولین وسیله اجرائیش هم این است که ما این ماده را از حالا اصلاح کنیم به این ترتیب که وقتی که دولت میخواهد شروع به اخذ مالیات بکند مطابق وزنیکه در قانون اوزان مقادیر معین شده است باشد فرمودند آن لایحه تمام نشده است

در صورتیکه ببقیده بنده تمام شده چون ما رأی داده ایم که هزار درم يك سنك باشد و پنجاه جزئیات آن جدول هم رأی داده شده

بنابراین آن لایحه در حکم تصویب شده است و آن قانون بیشتر از يك جلسه وقت لازم ندارد و پس از آنکه آن جلسه گذشت کار قانون تمام شده است

و اگر بنا باشد به این ترتیبی که حالا نوشته شده است وقت بسیار خواهد بود

آن وقت اسباب زد و خورد بسیار خواهد شد.

از این جهت بنده عقیده دارم که از حالا خوب است

میزان راهمان سنك قرار دهید در قیمت

این يك اصلاح عبارتی است چون در اینجا نوشته شده است سواي حقوق انحصاری و این عبارت (حقوق انحصاری) در قانون نیست.

این است که بنده پیش نهاد کردم و تحصیل جواز سواي تأدیبه اضافه قیمت مذکور در ماده سه نوشته شود.

مخبر - اشکالی ندارد قبول می کنم.

حائز یزاده - مواد هفت و هشت هم پس باید اصلاح شود

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی فرات می شود

(بشرح ذیل فرات شد)

بنده پیشنهاد می کنم به آخر ماده دوم اضافه شود و حمل و نقل قند و شکر و چای در تحت نظر مؤسسه مزبور خواهد بود.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - در لایحه دولت این قید بود که حمل و نقل قند و شکر در تحت نظر دولت باشد

یعنی متنوع باشد که دیگران متصدی حمل و نقل قند و چای و شکر نباشد در زیرت اولی کمیسیون قوانین ماله هیطور ذکر شده بود که حمل و نقل منحصر به دولت است

بعضی از آقایان اعتراضاتی کردند که این کلرایه مشکلاتی تولید خواهد کرد از این جهت اعضاء کمیسیون قوانین ماله اعتراضات را وارد دانستند

بنده نمی دانم چطور این اعتراضات وارد است ؟

زیرا حمل و نقل اگر منحصر به دولت باشد لااقل باید در تحت نظر دولت باشد والا این قانون در موقع حل چهار مشکلات اینست که بنده عقیده دارم حمل و نقل باید در تحت نظر دولت باشد و وقتی که می خواهند يك قندی را از جایی بجایی ببرند باید از دولت اجازه بگیرند

والا عدل قانچا زیاد می شود.

دولت باید از بیابان قانچا را بگیرد نه اینکه در دکان یا خانه تاجر بریزند و اگر بخواهند قانچا بگیرند در عرض راه موطر خواهد بود نه در جای دیگر از این جهت عقیده من اینست که اگر ما بخواهیم باجزای این قانون موفق شویم باید لااقل این کار در تحت نظر دولت باشد و دولت جواز خرید و فروش و حمل بنده والا اجرای این قانون چهار مشکلات خواهد شد

رئیس - رأی می گیریم آقایان که پیش نهاد آقای یاسائی را قابل توجه میدانند (بعضی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.